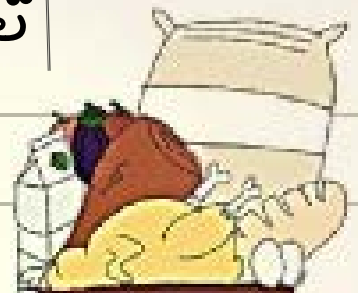


مرد، زن، تقدم بلا دليل!

تحصيل کرده اما پیکار!

هم به دار، هم به پار...



ویژه نامه اشتغال زنان
گاهنامه فرهنگی، اجتماعی حوزه زنان
سال دوم، شماره سوم، آبان ۱۳۹۹





گاهنامه فرهنگی، اجتماعی حوزه زنان

سال دوم، شماره سوم، آبان ماه ۱۳۹۹

ویژه نامه اشتغال زنان

@Nashriat_SBU



@BasijSBU



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: حلیه توکلی

سر دبیر: بهاره اسکندری

ویراستار: زهرا صادق زاده قمصری

طراح جلد و صفحه آرا: بهاره اسکندری

فهرست

اشتغال دو وجهی!

پرونده ویژه:

رویکرد نوین به اشتغال زنان در جامعه کنونی

قانون کار، لازم اما ناکافی

تحصیل کرده اما بیکار

اسارت زنان، در بند مشاغل سخت

سند توانمندسازی بانوان و اجرا در دانشگاه‌ها

بسته نبودن راه زنان برای ریاست جمهوری

مرد، زن، تقدم بلا دلیل!

چند گام با زنان کارآفرین

هم به دار، هم به بار...

زنان سرپرست خانوار، اجبار یا انتخاب؟

میدان سیاست، زنان دوشادوش مردان

اما و اگرهای خانه و اشتغال

آه، چه بی بها شدم!

خون بس، اینبار جنون بس!

پایان گنده لاتی!

خشونت علیه زنان، در افق جهان سوم

آموزه‌ای از مکتب والا

معرفی کتاب

۲

۴

۶

۷

۸

۹

۹

۱۰

۱۱

۱۳

۱۵

۱۶

۱۸

۱۹

۲۱

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

مهدی اعلائی

فاطمه تقی زاده

زینب نظری

فاطمه تشکری

حلیه توکلی

فاطمه اجل لوئیان

فاطمه زهرا هراتی

حکیمه امینی

سینا علمداری

زهرا غلامی

نیره موسوی

طهورا میرزایی

سپیده رضایی

نیره موسوی

پریسا پور مقدم



اشتغال دو وجهی!

و افزایش قدرت تصمیم‌گیری و برخورد مناسب آنان با رویدادها و حوادث زندگی شده و اثرات مطلوبی بر روابط خانوادگی بر جای گذاشته است. در واقع، زن با کار و فعالیت اجتماعی، قدرت خلاقیت، کارایی و استقلال بیشتری می‌یابد؛ چرا که زن در ازای دریافت وجه حاصل از فعالیت‌های اجتماعی و همچنین تبادل اطلاعات و تعامل اجتماعی، استقلال عمل بیشتری می‌یابد و بهتر می‌تواند در برابر مشکلات خانه و محیط کار، تصمیم‌گیری و مداخله نماید.

به طور کلی، باید گفت: هر قدر زنان بیشتر وارد عرصه اجتماعی شوند به همان نسبت بحران هویت فردی و اجتماعی، افسردگی و انزوایابی، بیزاری از نظام کنترل اجتماعی، بی‌اعتمادی و بدبینی به قوانین و قواعد حاکم بر جامعه در این قشر عظیم کاسته خواهد شد. اما به همان میزان که خانه‌داری و حضور زنان در صحنه خانه ثمرات مثبت و ارزنده‌ای، هم برای زن و هم برای اعضای خانواده و در نتیجه اجتماع دارد، اشتغال زنان به کارهای مهم و خارج از حیطه خانه نیز دارای فایده و اهمیت است. پس راهکار حل تعارض بین این دو وجه چیست؟

به نظر، باید در این میان، راه وسطی را جست‌وجو نمود تا میان مشغولیت‌های گوناگون زنان، هماهنگی و توازن برقرار گردد؛ و این، مهم‌ترین دلیل اهمیت یافتن اشتغال، آن هم به‌طور خاص برای زنان است.

کار زنان در خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است. اگر اشتغال را به معنای پرداختن به کار و یا توجه قلبی به کسی یا کاری (دهخدا، ۱۳۸۳، ص ۲۶۳۳) بدانیم و زن را محور اصلی تربیت انسان به شمار آوریم و خانه را نیز اولین کانون تشکیل اجتماع بدانیم، در این صورت، خانه‌داری از مهم‌ترین شغلها محسوب می‌شود.

همچنین نقش زنان خانه‌دار در دو سطح کمی و کیفی مورد بررسی است: نقش‌های عاطفی و تربیتی در بعد کیفی و نقش‌های اقتصادی و اجتماعی و خدماتی در بعد کمی قابل ارزیابی است.

اما چرا خانه‌داری شغل شمرده نمی‌شود؟ چرا زنان خانه‌دار جزو نیروهای فعال شمرده نمی‌شوند؟ چرا تصور می‌شود که زنان خانه‌دار بیکارند؟

آنتونی گیدنز، در این رابطه معتقد است «قبل از شهرنشینی، اکثر زنان وظایف گوناگونی را افزون بر مراقبت کودکان و کارهای خانه انجام می‌دادند. وظایف زنان اغلب هماهنگی نزدیکی با وظایف مردان داشت و خانه، واحدی تولیدی را تشکیل می‌داد. با پیدایش و توسعه محل‌های کار جدا از خانه، تولید نیز از مصرف جدا گردید و بانوی خانواده تنها یک مصرف‌کننده شد؛ یعنی کسی که کار نمی‌کند و فعالیت تولیدی او (کار خانگی) از نظر پنهان شد.»

اما پرداختن به موضوع خانه داری و روشن نمودن وجوه پنهان و صد البته مهم آن، تعارضی با اشتغال خارج از منزل ندارد؛ چرا که مشارکت روزافزون زنان در بیرون از خانه موجب تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال

کار و فعالیت اقتصادی زنان در خانواده و جامعه ایرانی موضوع جدید و نوینی به شمار نمی‌آید؛ اما امروزه با گسترش تکنولوژی و بروز تغییرات بنیادین در زندگی اجتماعی، اشتغال زنان شکل تازه‌ای به خود گرفته؛ چرا که محیط کار و زندگی زنان از یکدیگر جدا شده است. در این میان، موضوعی که اغلب از نظرها به دور مانده، بحث زنان خانه دار است؛ که باتوجه به تعداد کثیر زنان خانه دار، موضوعی نیست که روا باشد از آن چشم‌پوشی کرد. «خانه‌داری» در عرف عام، در مقابل «اشتغال» به کار برده می‌شود.

اما بیکار تلقی شدن زن خانه دار، حاصل سال‌ها تفکر اشتباه یا به عقیده جامعه شناسان نتیجه فقر فرهنگی است؛ حال آنکه اگر به فعالیت‌های یک خانم خانه‌دار در طول روز نگاه کنیم باید او را شاغل حساب کنیم، آن هم به عنوان مهم‌ترین شغل دنیا! زن خانه‌دار باید روانشناس، پرستار، آشنا به فنون تغذیه، امور مالی، هنرمند و درنهایت، مشاور و همراه اعضای خانواده باشد و این امور جز با افزایش آگاهی و کسب مهارت و تمرین زیاد به دست نخواهد آمد. پس زن خانه‌دار، بیکار نیست، بلکه کارهای متعدد و گاه نقش‌های متعارضی دارد.

با نگاه اقتصادی، خانه‌داری نوعی شغل و دارای ارزش مالی است؛ زیرا گذشته از بررسی کیفی نقش خانه‌داری به عنوان محور تعلیم و تربیت، حضور زنان در خانه به معنای انجام برخی امور خدماتی است که ارزش اقتصادی دارد. از این رو، محاسبه کمی ارزش اقتصادی

- رویکرد نوین به اشتغال زنان در جامعه کنونی
- قانون کار، لازم اما ناکافی
- تحصیل کرده اما بیکار
- اسارت زنان، در بند مشاغل سخت

- مرد، زن، تقدم بلا دلیل!
- چند گام با زنان کارآفرین
- هم به دار، هم به بار...
- زنان سرپرست خانوار، اجبار یا انتخاب؟

- میدان سیاست، زنان دوشادوش مردان
- اما و اگرهای خانه و اشتغال
- آه، چه بی بها شدم!

پرونده ویژه:

اشتغال زنان

رویکرد نوین به اشتغال زنان در جامعه کنونی

مهدی اعلائی / کارشناسی ارشد حقوق عمومی

مطالعات زنان اصالت دادن به نگرش قرآن باشد به این معنا که هر مطلبی از سه نگرش دیگر در مورد زن بیان کردند در صورتی میپذیریم که با مبانی قرآنی سازگار باشد. بعنوان مثال در بسیاری از روایات و نگرش عامه مطالبی راجع به ناقص العقل بودن زن مطرح میشود که با عنایت به آیات ۱۹۵-۱۹۰ سوره آل عمران که در مقام معرفی اولی الالباب و دقت در ضمائر (که جمع مذکر شامل مذکر، مونث و غیر این دو میباشد) و همچنین تدقیق در عبارت «لا اضيع عمل عامل منکم من ذکر او انثی» که در آیه ۱۹۵ آمده و همچنین آیه ۱۳ سوره حجرات دلالت بر نقص عقل زن ندارد.

اعتقاد بر این است اساساً جامعه‌ای که مصرف کننده باشد و مولد نباشد نمی‌تواند روی پای خود بایستد. آیا می‌شود پنجاه درصد جامعه را فلج کرد و در عین حال تولید داشته باشیم و روند توسعه جامعه را طی کنیم؟ نقش زنان در جامعه امروز در عرصه دانشگاهی (علمی) اگر بیشتر از مردان نباشد، کمتر نیست! آیا اگر زنان از لحاظ سطح علمی و فرهنگی در درجه‌ای پایین باشند یا همانند، آنوقت می‌توانیم بگوئیم که جامعه‌ی سالمی داریم و در مسیر توسعه قرار گرفته‌ایم؟ آیا نگرش ما به زن، جامعه‌شناسی و برای تشکیل جامعه است یا نگرش فردی؟

اینجاست که فقها باید از نگرش فردی راجع به شخصیت زن - که عموماً

گرفته و اهمیت این بحث را در منظومه معارف دینی (فقه عام) نشان میدهند؛ ثانیاً اشکالاتی که در دنیای معاصر به مسائل مرتبط با زنان وارد شده است و ضرورت پرداختن برای عالمی که می‌خواهد با مقتضیات زمان خود آشنا باشد را نشان میدهد، ازجمله بحث اشتغال، ارث، شهادت، تفاوت اجرای حدود، میزبان دینه، اختیار طلاق و... مسئله حقوق، تکالیف، وظایف و مسئولیت زن در جامعه اسلامی را باید براساس پیش فرض‌های اسلامی بررسی کرد نه مبانی غیر اسلامی و ما برای بیان قواعد بنیادین در تبیین حقوق زن چهار نگرش داریم: اول نگرش قرآنی و آنهم نگرشی کلی نگر که دربرگیرنده فقه و اخلاق است «فإذا قرأناه فأتبع فرائضه» آیه ۱۸ سوره قیامت: «و آنگاه که برخواندیم، تو پیرو قرآن آن باش». نه صرفاً با تمسک به یک آیه مثلاً «وضربوهن» بیابیم و حکمی صادر کنیم بلکه اصل خلقت وجودی زن و نحوه ارتباطش با مرد و نقاط

با گذشت زمان و پیشرفت جوامع، مسائل و نیازهای جدیدی مطرح میشود و ما به تناسب جامعه اسلامی و بالتبع آن احکام اسلامی باید بطور کلی در همه علوم اسلامی متناسب با زمان خود، مبانی جدید - که راهگشای حل مشکلات روز است - بوجود آوریم، و مطالبی که بزرگان ما در قرون پیش گفته اند و در زمان خود مفید بوده؛ اما بسیاری از آنها در حال حاضر به کار نمی‌آید. علت این امر هم در متغیر بودن فهم انسان‌ها با توجه به تغییر زمان و مکان و پدید آمدن سؤال‌ها و نیازهای نو برای بشر است. فلذا اینجاست که گفته می‌شود اصل دین ثابت است اما فهم ما از نصوص دینی متغیر می‌باشد بعبارت حوزویون، فقه معصوم نیست بلکه از بشر است لکن شریعت، معصوم است و ما می‌توانیم مدافع فقه باشیم چون به تعداد فقها، فقه (فهم و استنباط فقهی) داریم. در واقع قرآن و کلام اهل بیت (ع) مطلق است اما فهم ما مقید است؛

لذا معرفت دینی ما می‌تواند مطلق باشد بلکه ما فقط به اندازه ظرفیت فکری محدود خود می‌توانیم معارف دین را بفهمیم. باتوجه به مقدمه فوق و ضرورت تناسب علوم اسلامی با مسائل روز، نگارنده قصد دارد این موضوع را در حیطه علوم انسانی (و خاصاً حقوق) و علوم اسلامی (خاصاً فقه) بررسی کند. وقتی به فهم علما از دین اسلام و حقوق موجود برای زنان در اسلام از منظر ایشان مراجعه می‌نمایم

سؤالی مطرح می‌شود که آیا در نگاه ابتدائی و بدون آگاهی از منطق قرآن و صرفاً با تکیه بر نگرش سنتی - که غالباً متخذ از موروث روایی است - می‌توانیم زنان را به دین جذب کنیم؟ چرا که زن امروز دلایل و علائق زیادی برای جذب به حقوق غربی دارد! اکنون در مواجهه با اشکالاتی که متفکران غربی به ما وارد می‌کنند سه راه پیش رو داریم: یا اینکه طبق منطق قرون وسطی برخورد نماییم و بگوئیم دین همین است! خواستی پذیر خواستی نپذیر. یا طبق منطق تکفیری هرکس که به ما اشکال وارد کرد به تکفیر و تفسیق او حکم دهیم. یا طبق منطق قرآن و روایات معتبر هماهنگ با مبانی قرآنی و بر اساس جدال احسن حقوق زن را تبیین نماییم که ترجیح ما دیدگاه سوم است.

فلذا در میان موضوعات مختلف به دو دلیل ضرورت دارد مؤسسات دینی بعنوان مسئولان اصلی پاسخگویی، به موضوع فقه المرأة (فقه زن) بپردازند: اولاً در نصوص دینی صدها آیه و هزاران روایت با موضوع زنان مورد اشاره قرار



شامل فقه اصغر، بایدها و نبایدها و مسائل عملیه احکام حیض و نفاس و... به سمت نگرش اجتماعی (خانواده- اجتماع) بروند وکل منظومه دینی شامل فقه اکبر (اصول اعتقادی)، فقه اصغر، ارزشها و اخلاقیات و سایر علوم دیگر نظیر آنترپولوژی (انسان شناسی تجربی) را برای حل این مشکل بکار گیرند. چرا که اگر با نگرش فردی، وارد شوید خیلی از حقوق زن را نخواهید داد و ادعا می‌شود ضرورت ندارد، مثلاً در مشاغلی که حضور زنان در آن موضوعیت دارد بطور خاص پزشکی مامایی، زنان و... و مشاغلی که حضور زنان در آن موجب مطلوبیت عمل می‌شود نظیر نیروی انتظامی، مددکاری، روانشناسی و... اساساً از نیروی کار زنان بی‌ بهره می‌مانیم لکن اگر نگرش اجتماعی داشته باشیم حتی در مشاغلی که ضرورتاً نیاز به حضور زنان نیست، ناچاراً قائل به حق می‌شوید نظیر منشی، مهندسی، علوم پایه، وکالت، قضاوت و... بنابراین اگر این دیدگاه را نپذیریم، عملاً پنجاه درصد ظرفیت جامعه برای تولید و خدمات تعطیل می‌شود. ممکن است ایراد شود که چطور امور

قوت و ضعف را در نظر بگیریم. نگرش دوم روایی است (تا جایی که منطبق با مبانی قرآنی باشد). نگرش سوم فهم علما از دو نگرش قبلی است به این معنا که عالمان وقتی با نصوص دینی مواجه می‌شوند براساس مبانی کلامی، معرفت شناختی، فقهی، اصولی، روانشناسی، هرمنوتیک و انسان شناختی، نهایتاً به برداشتی دست می‌یابند که برداشت شخصی آنهاست نه اینکه لزوماً عین دین و مطابق واقع و قرآن باشد به همین دلیل ممکن است سایر علما برداشت دیگری داشته باشند. چهارم، نگرش عامه مردم است (عادات و تقالید) یعنی صرف نظر از اینکه قرآن، روایات و عالمان دین چه می‌گویند یک سلسله اعتقادات، باورها و رسوم درست یا نادرست پیرامون زن در بین خود مردم شکل گرفته است. و اساساً خیلی از مسائلی که الان بر زن تحمیل می‌شود، اصل دینی نداشته بلکه اینها به مرور نسل‌ها جزء دین شده است و اگر بخواهید از آن خارج شوید شما را بی دین می‌دانند. و نباید بین این چهار نگرش متفاوت، خلط صورت گیرد و باید روش ما در

شرایط مختلف درک نماید البته ممکن است کسی تعدیل شده، رفتار کند ولی هیچ وقت بطور کامل نمیتواند از مردانگی انسلخ پیدا کند که اینکده در مورد زن هم این قضیه صادق است.

در نتیجه راهی نیست مگر اینکه زنان وارد میدان معرفت دینی شوند و به تفقه در دین بپردازند و آنها هم نگرش، فهم، استنباط و قرائت آنتوی خودشان را بیان کنند برای مثال بنابر مشهور فقها حق استمتاع جنسی برای زن، محدود به اراده شوهر و هر ۴ ماه یکبار حق درخواست دارد لکن برای مردان محدود به زمان نیست (گأن اصل، احتیاجات جنسی مرد است) که این نظر فارغ از درنظرگرفتن فیزیولوژی زنان و «عاشروهنّ بالمعروف» است؛ چیزی که در جوامع غربی با عنوان فمینیسم (زنانه نگری) صحبت میشود البته نه آن نگاه افراطی (موج اولیه و ثانویه) که هدف کسب آزادی و حتی برکنار کردن مردان بود، بلکه رویکرد منطقی (موج سوم) که هدفشان اینست که تا کنون تفاسیر فلسفی، دینی، روانشناسی و نگاه به عالم از دیدگاه مردانه بود و حال زنان میخواهند تفسیر خودشان را ارائه دهند و گزارششان را در کنار گزارش مردان بگذارند. عموم تاریخ ادیان (بطور عام) و تاریخ اسلام (بطور خاص) کسانی که درباره خانم ها بحث کردند، مردها بودند. به همین خاطر خاتم الانبیاء و المرسلین در جامعه ای که زن بودن عار محسوب میشد، بر حسب ظرفیت مردم، بطور حداقلی برای زنان حقوقی متصور نمودند و چه بسا در آن شرایط فکری فرهنگی اگر تمام حقوق زن بیان میشد، دین خدا را پس میزدند و اقبال نشان نمیدادند بنابراین با تغییر و ارتقاء جمیع شرایط، باید حقوق حداقلی افزایش و نگرش ما نیز تغییر و تعدیل یابد و این مهم ممکن نیست مگر اینکه زنان نیز تئوری شناخت و معرفت خودشان را به جامعه عرضه کنند.

وکالت در طلاق و تصیف دارایی) گامی در این جهت بود. مسئله ای که مطرح است این است عموماً نگرش سوم (فهم عام دینی) یک قرائت ذکوری از مبانی اعتقادی، اخلاقی، فقهی درباره حقوق زن ارائه میدهد و با یک عینک مردانه زن را میبیند؛ آنوقت توقع غیرود حقوق زنان را اعطا کند، اصلاً به ذهنش خطور نمی کند که چی احتیاج دارید و به چی فکر میکنید نه اینکه آقایان تقصیری داشته و از روی عناد باشد بلکه اساساً نمیتواند روحیات خانها را در

اصل دین ثابت است اما فهم ما از نصوص دینی متغیر می باشد. در واقع قرآن و کلام اهل بیت (ع) مطلق است اما فهم ما مقید است. وقتی به فهم علما از دین اسلام و حقوق موجود برای زنان در اسلام از منظر ایشان مراجعه می نماییم سؤالی مطرح می شود که آیا در نگاه ابتدائی و بدون آگاهی از منطق قرآن و صرفاً با تکیه بر نگرش سنتی - که غالباً متخذ از موروث روایی است - می توانیم زنان را به دین جذب کنیم؟ اکنون در مواجهه با اشکالاتی که متفکران غربی به ما وارد می کنند سه راه پیش رو داریم: یا اینکه طبق منطق قرون وسطی برخورد نماییم و بگوییم دین همین است! خواستی بپذیر خواستی نپذیر. یا طبق منطق تکفیری هرکس که به ما اشکال وارد کرد به تکفیر و تفسیق او حکم دهیم. یا طبق منطق قرآن و روایات معتبر هماهنگ با مبانی قرآنی و بر اساس جدال احسن حقوق زن را تبیین نماییم.

منزل پیش رود؟ اساساً طبق قانون مدنی و شرع انور، تشدید و تقویت مبانی خانواده، تربیت و حضانت اولاد با معاضدت زوجین صورت میگیرد و زن ملزم به انجام کارهایی نظیر شستشو و رفتو رو که شرعاً بر عهده او نیست، نمی باشد برای رفع این مشکل باید نظاماتی طرح کرد که اینها باهم منافات نداشته باشد نظیر مرخصی زایمان و... نه اینکه صورت مسئله را پاک کنیم. رکن اساسی جامعه اسلامی، خانواده است و خانواده دو رکن (زن و مرد) مقوم دارد؛ خانمی که تحصیلات عالی گذرانده و رشد فرهنگی پیدا کرده است می تواند نسل قوی و علمی تری را تحویل جامعه بدهد.

در اینصورت خانمی که سطح تحصیلی- فرهنگی اش بالا می رود، کار میخواهد چرا که اساساً اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز هست و نمیتواند در جامعه معطل بماند و نهایتاً استقلال مالی پیدا میکند پس دیگر همانند زن عرب جاهلی بطور صد در صدی احتیاج به قیمومت مرد ندارد و لأقل هر تصمیمی که مرد میگیرد باید با مشارکت باشد. لهذا اگر زن احساس کند در اداره خانه، امور مالی و خروج از منزل به او زور گرفته میشود، صبر نمیکند بلکه با استناد به عسر و حرج طلاق میگیرد ولی ۲۰۰ سال قبل که چنین جایگاهی نداشت، گفته می شد که باید بسازی اما الان قضیه سازش بصورت برابر از طرف مرد هم لازم است و باید عدول کند. فلذا «الرجال قوامون» دیگر معنای قدیم را نمیدهد چون صدر اسلام، کسی که برای معیشت قدم برداشت (رجل) صرفاً مردان بودند و زن کاره ای نبود الا نقش مولد و خدمت به همسر؛ حال اگر زن هم برای معیشت قدم بردارد، به همان نسبت رجولیت و قیمومت دارد؛ اگر قائل به این نظر نباشیم باید سطح فرهنگی زن را به گذشته برگرداند تا اختیار صد در صدی خانه بر عهده مرد باشد. به این دلیل است که باید در جوامع نو رویکرد ما نسبت به مرد و زن عوض شود که اینکده اضافه کردن شروط ضمن عقد (از جمله





قانون کار، لازم اما ناکافی

فاطمه تقی زاده/ کارشناسی ارشد حقوق جزا

از جمله قوانین حمایتی، قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ می باشد و در قسمت های مختلف به حمایت از بخش های مختلف و متعدد کارگران می پردازد. یکی از این بخش ها حمایت از کارگران زن است که مواد ۷۵ تا ۷۸ قانون کار را دربر می گیرد. ماده ۷۵ قانون کار انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و حمل بار بیش از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است و دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد را موكول به پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی کرده است. در ادبیات حقوق کار، منظور از کارهای سخت و زیان آور، کارهایی هستند که در آنها از عوامل غیراستاندارد فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار بوده و در اثر اشتغال کارگر به آن شغل تنش هایی از لحاظ فیزیکی و روانی و بالاتر از ظرفیت های طبیعی برای او ایجاد می کند. مثل کار در معادن تخلیه و حمل مواد مذاب، کارهای استخراجی، حفر قنات و چاه فاضلاب، کارهای مستمر در فضای باز و ارتفاع بیش از ۵ متر، عملیات های جوشکاری و مواردی از این قبیل... . ضمانت اجرای پیش بینی شده در این خصوص ماده ۱۷۶ در قسمت جرایم و مجازات های قانون کار است.

از دیگر مواد حمایتی قانون کار ماده ۷۶ است که

مرخصی بارداری و زایمان را ۹۰ روز در نظر گرفته و مقرر داشته است که حداقل ۴۵ روز از این مدت باید پس از زایمان استفاده گردد و همچنین مقرر میکند که در زایمان های توأمان ۱۴ روز به این مدت اضافه میشود. تبصره یک ماده ۷۶ مقرر میکند که کارگر زن پس از سپری کردن مدت مرخصی به کار سابق خود برمیگردد و مدت مرخصی زایمان و بارداری، جز سوابق خدمت در نظر گرفته می شود و تبصره دو نیز در این خصوص مقرر می کند که حقوق کارگر زن پرداخت می شود. تا اینجا ماده ۷۶ بسیار حمایتی و مثبت گونه نگاشته شده است. ولی سوال اینجاست که چه تعداد از زنان کارگر بعد از سپری شدن مدت مرخصی زایمان به کار سابق خود بازگشته اند یا اینکه مدت مرخصی را با حقوق و جز سوابق کار داشته اند؟ به طور خلاصه اینکه این دو تبصره چه میزان با واقعیت های اجتماعی و چالش های کاری زنانه هماهنگ است؟ پیش بینی نشدن ضمانت اجرای صحیح و نهادهای نظارتی در خصوص عدم رعایت این دو تبصره، تخلف از آن ها را راحت کرده و زنان را با چالش هایی مثل از دست دادن شغل و درآمد مواجه ساخته است. همین انتقاد به ماده ۷۷ هم وارد می شود زیرا در این ماده مقرر شده، اگر کار برای کارگر باردار به تشخیص پزشک سازمان تامین اجتماعی زیان آور باشد کارفرما موظف شده تا پایان مدت بارداری بدون کم کردن حق السعی، کار مناسب و سبک تری به او ارجاع بدهد. اگر چه در ماده ۱۷۶ قانون کار در قسمت جرایم و مجازات ها برای متخلفان از ماده ۷۵ و ۷۸ ضمانت اجرایی پیش بینی کرده است ولی ساز و کار های گزارش دهی در این خصوص روشن نمی باشد. چه بسا کارگرانی که به دلیل عدم وجود پشتوانه های مالی و عدم پیش بینی پذیری گزارش دهی از گزارش تخلف ها خودداری کنند. بنابراین به نظر می رسد اگر چه پیش بینی تخلفات لازم است

ولی کافی نیست؛ به این جهت که باید در کنار جرایم پیش بینی شده، نظارت های قوی و مستمر برای جلوگیری از چنین تخلفاتی پیش بینی می شد.

آخرین ماده در خصوص شرایط کار زنان ماده ۷۸ است، که به طور خاص به حمایت از زنان شیرده و کودکان شیرخوار می پردازد و به مادران شیرده اجازه می دهد تا پایان دو سالگی هر سه ساعت یکبار فرصت شیردادن به مدت نیم ساعت داشته باشند و این فرصت های نیم ساعته جز ساعت کار آنان است و همچنین کارفرما موظف شده است متناسب با تعداد کودکان و در نظر گرفتن گروه سنی آن ها، مراکز مربوط به نگهداری کودک را تاسیس کند. در خصوص قسمت اول این ماده یعنی فرصت نیم ساعت شیردادن مادر به فرزند و احتساب این مدت در ساعت کار، ماده ۱۷۵ قانون کار پیش بینی شده است که ضمانت اجرایی پیش بینی کرده است و در خصوص قسمت دو یعنی ایجاد مراکز نگهداری، ماده ۱۷۳ قانون کار پیش بینی شده است.

بنابراین ماده ۷۸ هم، مانند ماده ۷۷ با همان انتقاد مشابه روبه رو است. باید علاوه بر پیش بینی ضمانت اجرا، سازوکار های نظارتی صحیح و مستمر را در قانون کار جای بدهیم.

به طور کلی به نظر می رسد در رابطه با قوانین حمایتی، مثل قانون کار که نوعی تبعیض مثبت و حمایت گونه است، برای حمایت موثر و کامل، باید سازوکار های نظارتی برای جلوگیری از تخلفات پیش بینی شود و اکفا به جرم انگاری و تعیین مجازات در این خصوص کافی نیست.

تحصیل کرده اما بیکار...

(مروری بر مشارکت اقتصادی، بیکاری و اشتغال زنان فارغ التحصیل در آموزش عالی کشور)

زینب نظری/کارشناسی ارشد جامعه شناسی

که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در خانواده های روستایی و عشایری از خانواده های شهری بیشتر است و این تفاوت معلول عوامل بسیاری من جمله روحیه ی مشارکت و همکاری در خانواده های روستایی و عشایری است، در ثانی با رشد فرایند شهرنشینی و مدرنیزاسیون ما شاهد جدایی بین محیط کار و خانه در شهر ها هستیم و امروزه بسیاری از کارگاه های خانگی و مشاغل که در خانه دایر بود و امکان فعالیت اقتصادی زنان را مهیا می کرد را دیگر نمی بینیم؛ هر چند که نرخ بیکاری فارغ التحصیلان روستایی همواره با نرخ بیکاری کل در سطح روستایی تفاوت بسیاری دارد، البته در طول زمان این تفاوت نیز بیشتر شده است و مناطق روستایی در به کارگیری فارغ التحصیلان اغلب ناتوان هستند. این عمل موجب می شود تا دخترانی که حتی با تحصیلات عالی از دانشگاه ها فارغ التحصیل شوند به دنبال شغل نباشند یا پس از جست و جو های فراوان از یافتن شغل مورد نظر با شرایط مناسب تحصیل و خانواده نا امید شوند و به مشاغل پایین تر از سطح

یکی از نسبت هایی که در ملاحظات جمعیت شناختی و سیاست گذاری کشور ها از اهمیت بالایی برخوردار است، توجه به نسبت جمعیت فعال جامعه یعنی افرادی است که نیروی آماده ای را برای تولید کالاها و خدمات تشکیل می دهند. جمعیت فعال بنا به تعریف کنفرانس بین المللی آمارشناسان، شامل افرادی می شود که از لحاظ اقتصادی دارای فعالیت سودمند هستند و به تولید ثروت و خدمات اقتصادی می پردازند. جمعیت فعال به دو دسته ی فعال بالقوه و فعال بالفعل تقسیم می شوند که دسته اول شامل افرادی از جمعیت کشور هاست که در سن قانونی کار، یعنی بین ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند و دسته دوم، جمعیت فعال بالفعل، شامل افرادی هستند که به عنوان شاغل فعالیت دارند و یا به عنوان بیکار در جستجوی کار فعالیت می کنند.

بنابراین جمعیت شاغل به علاوه ی جمعیت بیکار در جستجوی کار را جمعیت فعال بالفعل می گویند. به طور معمول نیمی از جمعیت فعال کشور ها را زنان تشکیل می دهند و از این جهت سهم به سزایی از لحاظ جمعیت شناختی و آماری در ارتقای شاخص های اقتصادی کشور ها دارا هستند. اما آمار های مربوط به شاخص های مشارکت اقتصادی زنان در کشور چندان خوشایند نیست، طبق اعلام رسمی سازمان آمار کشور، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سن کار در بهار ۹۹ برابر با ۱۴ درصد است که در مقایسه با زمان مشابه سال گذشته، با ۳ درصد کاهش مواجه شده است. نرخ مشارکت اقتصادی در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی کم تر است. نرخ مشارکت ۱۴ درصدی زنان به این معنا است که از ۱۰۰ درصد زنان جمعیت فعال کشور تنها ۱۴ از آن ها به فعالیت های اقتصادی مشغول هستند و حدود ۸۶ درصد از آن ها در وضعیت عدم اشتغال و یا وضعیت های اظهار نشده قرار دارند.

توجه به نرخ اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان در جامعه زمانی تامل برانگیز تر می شود که ترکیب جنسیتی دانشگاه ها در دهه های اخیر شاهد تغییرات بسیاری بوده است، به طوری که در سال ۱۳۵۷ دختران تنها ۲۸ درصد از ورودی دانشگاه ها را شامل می شدند و این آمار در سال ۱۳۸۱ به ۶۲ درصد از ورودی ها رسید و اکنون بیش از ۵۴ درصد قبولی های کنکور سراسری در کشور را دختران شامل می شوند. با تمام این اوصاف دختران اما سهم چندانانی از جمعیت شاغل ۱۵ سال به بالای فارغ التحصیل آموزش عالی را ندارند و اغلب آنان پس از فارغ التحصیلی از دستیابی به مشاغل مورد نظر و متناسب با رشته ی تحصیلی خود باز می مانند. در صورتی که اگر از منظر دیگری به این مسئله نگاه کنیم، عدم تناسب میان هزینه های دولت برای آموزش افراد در جامعه و انتظار برون داد اقتصادی افراد پس از اتمام تحصیلات با این اوصاف ناهم می ماند و فرد کارایی لازم برای رشد و توسعه ی اقتصادی جامعه را نخواهد داشت. طبق بودجه سال ۹۸ هزینه سرانه هر دانشجو در دانشگاه های دولتی در سال نزدیک به ۱۶ تا ۲۰ میلیون تومان برآورد شده است (این مبلغ در دانشگاه های فنی مهندسی بیشتر است) و متناسب نبودن خروجی دانشگاه ها و عدم ورود فارغ التحصیلان به بازار کار موجب هدر رفتن این مبالغ، به خصوص در مورد زنان تحصیل کرده خواهد بود، در حالی که پیش فرض برنامه ریزان نظام آموزشی در کشور تربیت و پرورش نیروی متخصص و تحصیل کرده در جامعه است اما ورودی بازار کار با خروجی افراد از آموزش عالی تناسب چندانانی ندارد و این آمار در خصوص زنان تحصیل کرده به مراتب بدتر است.

همچنین بر اساس نتایج استخراج شده، متوسط طول مدت بیکاری فارغ التحصیلان زن همواره از مردان فارغ التحصیل بیشتر است. عدم مشارکت اقتصادی زنان در جامعه معلول عوامل بسیاری است که یکی از آن ها عدم پرداخت به نقش آموزی اقتصادی دختران و تاکید بر نقش مصرف کننده ی آن ها در خانواده است، در حالی

تحصیلات و خود و اغلب نامرتب با رشته ی تحصیلی خود بسنده کنند. توجه نکردن به بازار کار مشاغل مختلف و عدم توجه به مسئله مشارکت اقتصادی پس از تحصیل، از عوامل مهم بیکاری فارغ التحصیلان دختر دانشگاهی است. به طوری که این آمار حتی در رشته های فنی مهندسی و پزشکی نیز قابل باور شده است. نرخ بیکاری زنان در استان های ایران متفاوت است و طبق آخرین آمار مرکز پژوهش های مجلس، استان البرز با نرخ ۳۲ درصد بیشترین بیکاری زنان و استان همدان با نرخ ۷.۵ درصد کمترین میزان بیکاری زنان در کشور را شامل می شود.

طبق آمار سال گذشته با شیوع ویروس کرونا در جهان و شرایط قرنطینه اجباری، بسیاری از مشاغل با رکود مواجه شدند و بسیاری از افراد شغل خود را از دست دادند. در این میان اما سهم زنان از رکود اقتصادی حاصل از کرونا بیشتر از مردان بود؛ کرونا بیش از ۷۰۰ هزار زن شاغل را بیکار کرد و بسیاری از مشاغل خدماتی، نظامی و مشاغل غیر رسمی نظیر دست فروشی که زنان زیادی را به خود مشغول کرده بود بیکار کرد. خطر تعدیل نیرو در کارخانه و سایر مراکز تولیدی نیز بیشتر از مردان متوجه زنان بوده است. سهم زنان شاغل نسبت مردان یک به پنج است و رکود اقتصادی حاصل از اپیدمی کرونا مشاغل بیشتری از زنان را با خطر رکود مواجه می کند. دولت ها و سیاست گذاران اقتصادی در کشور ها باید علاوه بر در نظر گرفتن پیامد های اقتصادی ناشی از ویروس کرونا به نقش این ویروس و اثرگذاری آن بر وضعیت اقتصادی زنان توجه داشته باشند تا پیامد های ناشی از رکود اقتصادی بر اثر این اپیدمی بیش از این بر وضعیت مشاغل بانوان اثر نگذارد.

منابع:

مرکز آمار ایران/amar.org.ir

نتایج طرح آمارگیری نیروی کار؛ بهار ۹۹

نرخ بیکاری زنان/مرکز پژوهش های مجلس

۲. هر دانشجو چقدر خرج روی دست دولت می گذارد/rajanews.com

۴. زنان تحصیل کرده قربانی اصلی بیکاری در ایران خبرآنلاین/کدخبر: ۵۵۲۱۲۳

۵. ترکیب جنسیتی در دانشگاه ها/ensani.ir

۶. حورا/شماره ۲۲

اسارت زنان، در بند مشاغل سخت

فاطمه تشکری / کارشناسی روانشناسی

توجه کنیم که عده ای از زنان به مشاغل سختی مشغول هستند که یا به دلخواه است یا به اجبار... مشاغل سخت و زیان آور به مشاغلی گفته می شود که در آن عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار غیر استاندارد بوده و تنش هایی بالاتر از حد معمول را به کارگر وارد کنند. این مشاغل به دو دسته تقسیم می شوند:

مشاغلی که با اتخاذ تهییدات مربوطه از قبیل موارد ایمنی و بهداشتی توسط کارفرما، می توان از عوارض آنها جلوگیری کرد.

مشاغلی که ماهیتاً زیان آورند و با اتخاذ تهییدات نامبرده، می توان عوارض آن ها را کاهش داد، اما صفت زیان آوری آن ها همچنان حفظ می گردد.

قانون کار، صراحتاً مشاغل سخت را برای زنان ممنوع اعلام کرده است؛ در ماده ۷۵ این قانون گفته شده: «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیش از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است. دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.»

طبق نظر کارشناسی بینابین و متعادل، استفاده از مفاد ماده ۷۵ در مورد خانم های مشمول آن، باید یک امتیاز اختیاری باشد، نه اجباری؛ به عبارت دیگر، باید پس از آن که شورای عالی کار تعریف و توصیف این قبیل مشاغل توسط شورای عالی کار، خانم ها اختیار داشته باشند که اگر این دسته مشاغل به آنها ارجاع شد، نپذیرند، نه این که اشتغال به این امور برای آن ها ممنوع باشد. در واقع زنان کاملاً از مشاغل سخت ممنوع نشده اند؛ چون با وجود ممنوعیت قانونی، هنوز عده ای از زنان - که برخی از آن ها سرپرست خانوار هستند - به اجبار هم که شده، مشغول به کار در مشاغل سخت هستند و چاره ای جز این ندارند. و حالا سوال این است که آیا راه حلی برای این مشکلات اندیشیده شده است؟ آیا برپایی تعاونی هایی برای زنان، خصوصاً در مناطق مرزنشین که زنان بیشتر به مشاغل سخت مشغول هستند، کارگشا خواهد بود؟ و یا این مسئله هم چون دیگر مسائل نادیده گرفته شده است؟

البته در گویی، با وضعیت کنونی اشتغال، عجیب نیست که بگوییم برای اشتغال زنان هم چاره

اندیشی نشده است... اصلاً عجیب نیست!



است، همچنین مشخص شد که در بیشتر وظایف خانگی فقط زنان مسئولند.

۲. سستی روابط خانوادگی:

با توجه به نقش کلیدی و تعیین کننده زنان در خانواده، گرایش زنان به سوی اشتغال بیش از همه بر خانواده اثر گذاشته و روابط زن و شوهر و فرزندان و حتی خویشاوندان را دگرگون می کند؛ زیرا ورود به عرصه اشتغال، در حقیقت موجب ورود زنان به فضاهای تازه اجتماعی و در نتیجه تحول در ساختار خانواده خواهد شد؛ چرا که زنان در عین اینکه در تأمین معاش با مردان رقابت می کنند، از روابط خانوادگی نیز نباید غفلت کنند. ویژگی های روانی زن با مرد متفاوت است و عناصر زیبایی شناختی، آرامش بخشی و عاطفی در زن غلبه دارد. بنابراین مسئولیت زنان در خانواده برای بقا و استحکام آن بیش از مردان است. بر اساس تعالیم اسلام، مهم ترین وظیفه زن پس از تکالیف دینی، در قبال همسر اعلام شده است. اساسی ترین مسئولیت زن، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی همسر است که از نظر ارزش، معادل دشوارترین تکلیف دینی مرد، یعنی جهاد شمرده شده است. به یقین در صورت حضور زنان به عنوان نیروی کار، مسئولیت های آنان در قبال همسر و فرزندان که ضامن حفظ و استحکام نظام خانواده است، تحت الشعاع اشتغال و درآمدزایی قرار می گیرد. در بررسی عوامل طلاق و جدایی، به سستی و سردی روابط عاطفی از مدت ها قبل از طلاق برمی خوریم؛ تمام وقت بودن اشتغال زنان در محیط بیرون و ارضای عاطفی آن ها در محیط های کاری با همکاران که نیاز عاطفی به همسر را تا حدودی کاهش می دهد را میتوان از علل این سردی روابط دانست. علاوه بر آن، خستگی ناشی از کار و مسائل و مشکلات مربوط به کار نیز میتواند باعث انجام ندادن وظایف زنانه، مانند عدم آراستگی خانه شود که این امور نیز نقش مهمی در بقای زندگی مشترک دارد.

پس از ذکر تمامی این موارد، باید به این نکته نیز

در دنیایی زندگی می کنیم که به قول بزرگترها اگر زن و مرد با هم کار کنند، باز هم کم می آورند و دخلشان به خرجشان نمی خورد؛ با این وضعیت رویایی اقتصادی و وضعیت تورم و قیمت دلار و مسکن و همه چیز اصلاً (!) عده ای از زنان علاوه بر مسئولیت مدیریت خانه و همسر و فرزندان، مجبورند وارد عرصه اشتغال شوند تا بلکه شب ها با گرسنگی نخوابند و البته عده ای معدود هم مجبور نیستند و به خاطر پرستیژ زنان امروزی کار می کنند و یا چاره ای جز کار ندارند.

علی ای حال اگر بخواهم ادامه بدهم، باید قصه حسین کرد شبستری بخوانم و آخرش هم روضه را ضمیمه اش کنم و همه مان زیر گریه بزینم، از اینکه چنان رونق اقتصادی در کشور ایجاد شده که نکو و نپرس!

اصلاً از شدت غوشی نمی دانیم چه کنیم...

خوشبختانه با تدبیر ملت گرمی در دو دوره چنان به عقب برگشتیم که باید با دنده صفر به جلو برگردیم! رهایش کنیم...

عرض می کردم، با وضعیت امروز کشور، زنان علاوه بر مسئولیت های خطیر خود در خانه، باید بار مسئولیت دیگری را هم به دوش بکشند و نان آور دوم خانه و بلکه بعضاً نان آور اول خانه باشند تا شرمنده فرزندان شان نشوند.

اگر بخواهیم نگاه شرعی به این مورد داشته باشیم، اگر زنان بخواهند به فعالیتهای اقتصادی پرداخته و تولید ثروت نمایند، با رعایت اصول مورد نظر اسلام، یعنی کاهش اختلاط جنسی و اولویت نقش مادری و همسری، منعی برای آنان وجود ندارد.

اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت را موظف کرده است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و بسترهای مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم کند؛ منظور از «تمام جهات» در این اصل، یک تعبیر عام است و حق اشتغال یکی از مصادیق آن به شمار می رود. ولی اشتغال مشکلاتی را هم برای زنان ایجاد می کند؛ از جمله:

۱. تحمیل بار طاقت فرسا بر زنان:

اشتغال تمام وقت زنان در کنار انجام وظایف خانگی، بار مضاعفی بر دوش آن ها می گذارد. بیشتر زنان با وجود اشتغال، مسئولیت های مادری و همسری را نیز انجام می دهند؛ چرا که اعتقاد به اینکه خانه داری مسئولیت و وظیفه زنان است، پیروان بسیاری دارد. نتایج یک نظرسنجی نشان داد بیشتر مردم فکر می کنند مسئولیت زنان در امور خانه بیش از مردان

سند توانمند سازی بانوان و اجرا در دانشگاه ها



توانمندی زنان و فقدان برنامه ریزی هدفمند به منظور توانمندسازی زنان، حلقه های مدیریتی و تصمیم ساز مردانه، هنوز عدالت جنسیتی که هدف اصلی ماده

مشاور وزیر علوم خاطرنشان کرد: اگر قرار باشد زنان به نوعی در مشارکت ها و فعالیت های اجتماعی به صورت جدی وارد شوند باید توانمند باشند، زیرا ورود به حلقه

های مدیریتی بدون پیش نیاز توانمندی می تواند منجر به تجربیات ناخوشایندی شود و ممکن است تا سال ها سپردن مناصب مدیریتی به زنان از آن متأثر شود.

رحمانی ادامه داد: با وجود نگاه کلی مبتنی بر شایسته سالاری



در وزارت عتف، به دلیل نبودن زیرساخت برای اثبات ۱۰۱ است، در برخی زمینه ها محقق نشده است.

مشاور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در امور زنان و خانواده: سند توانمندسازی بانوان در سه دسته ذینفعان شامل اعضای هیأت علمی، دانشجویان و کارمندان در حال تدوین است.

فائزه رحمانی روز جمعه در گفت و گویی با خبرنگاران، درباره اقدامات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در خصوص زنان و خانواده اظهار داشت: ماده ۱۰۱ قانون برنامه ششم توسعه به طور مستقیم در مورد زنان برای اولین بار در قانون درج شد و ماده ۱۰۲ در خصوص خانواده مباحثی را به صورت تکمیل قانون برنامه های چهارم و پنجم مطرح کرده است.

وی ادامه داد: دستگاه های اجرایی باید بر اساس ماده ۱۰۱ به منظور بهره مندی جامعه از سرمایه های انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن، جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده را در دستگاه سازماندهی و تقویت کنند.

رحمانی افزود: همچنین در سیاست ها، برنامه ها و طرح های خود رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی را اعمال کنند و به دنبال برنامه ای برای رصد و پایش برنامه ها باشند.

بسته نبودن راه زنان برای ریاست جمهوری

جنگ راه بیاندازند. یعنی تسلیم حقیقت شد و قرآن کریم از ملکه سبا به عنوان یک فرمانروای موفق و با تدبیر یاد می کند.

فکر کرده ایم برای چه چنین مثالی در قرآن کریم

می آید؟ آیا می خواهد به

مطلب برتری اشاره کند؟ به

نظر من برای کسانی که

جویای حقیقت هستند اینها

مطالب مهمی است. بالأخره

ما داریم در قرن بیست

و یکم زندگی می کنیم و

استفاده کامل از ظرفیت

همه آحاد جامعه نفی

چیزی نیست. چون عده ای

تا چنین مسأله ای مطرح می

شود می گویند نفی خانواده

و فرزند آوری است. اصلا

چنین چیزی نیست. بلکه

شاید برعکس باشد. یعنی

اگر خانم ها احساس کنند

این فضا هم برای آنها باز

است و محدودیت برای آنها نیست، انتخاب طبیعی

خودشان این است که حتما خانواده و فرزندان را

فراموش نکنند و اولویت قرار بدهند.

بحث قرآنی است که اگر مسأله خیلی بد بود قرآن کریم مثال خوبی از ملکه سبا می زد. یکی از عاقلانه ترین حکمت های مربوط به حکمرانی خوب جمله معروف ملکه سبا است که می گوید وقتی اشغالگران



وارد قریه ای می شوند آنجا فساد می کنند و آدم های عزیز را ذلیل می کنند و آدم های ذلیل را بر سر کار می آورند. این نتیجه اشغالگری، جنگ و تعرض به کشورها است. مانع شد از اینکه لشکرش بخواهند

در روز شنبه دهم آبان ماه، معصومه ابتکار در رابطه

با زمینه های حضور زنان در اداره کشور اظهار داشت: اینکه تفسیر قانون چه می گوید، تفسیر قانون از

اول روشن بوده و چیز جدیدی

نیست. اگر آقایان می خواستند

به دلیل نگرانی از موقعیت

خودشان و یا تبعات دیگر آن

را انکار کنند، ربطی به قانون

ندارد. مذاکرات قانون اساسی

هست؛ کلمه «رجال» را برای

همین انتخاب کرده اند. حتی

مرحوم شهید آیت الله بهشتی،

مرحوم آیت الله طالقانی و

خانم منیر گرجی این کلام را

برای همین انتخاب کرده اند

که در یک آینده ای این راه

بسته نباشد. با این ذهنیت

و پیش فرض، قانون اساسی

تصویب شده و شورای محترم

نگهبان هم طبعا تابع قانون

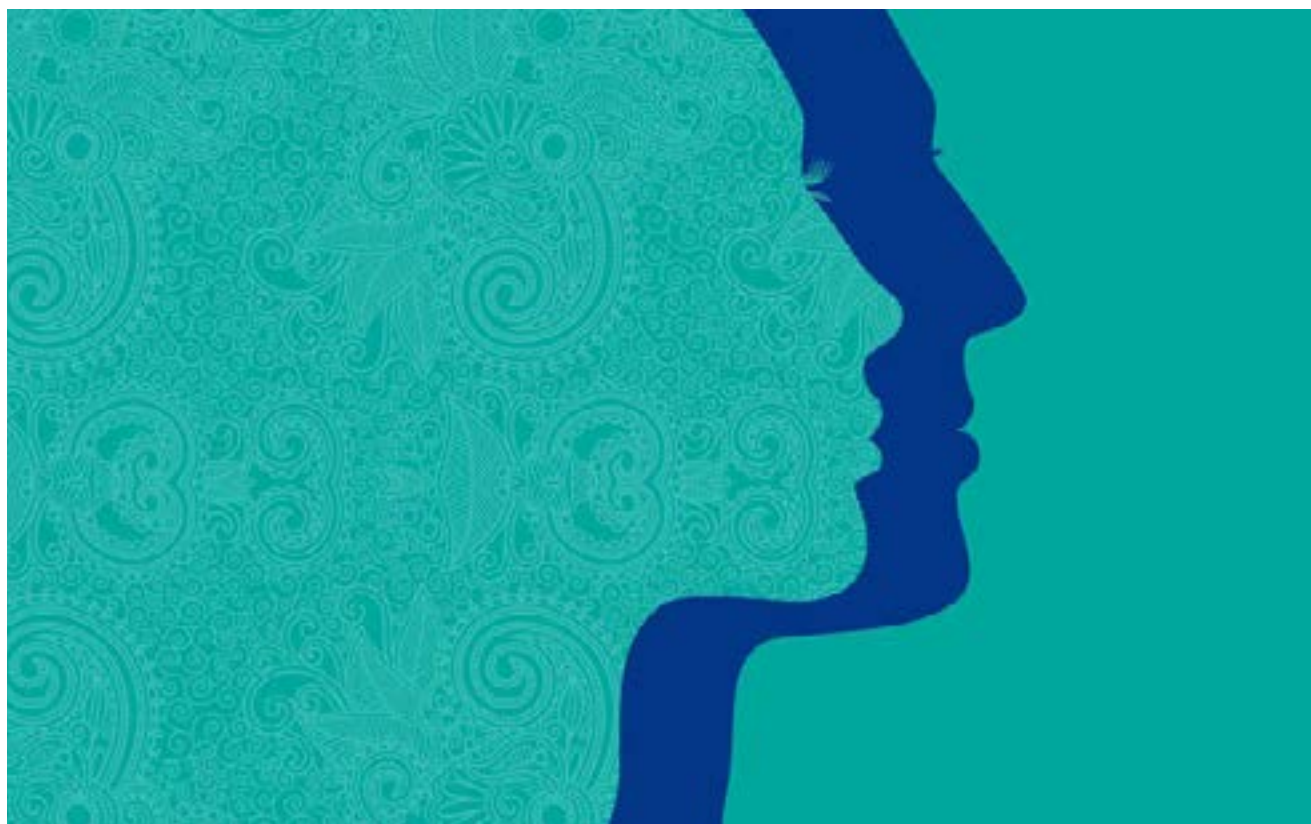
اساسی است. شرع مقدس هم

هیچ محدودیت و ممنوعیتی قائل نشده است. بنابر این من فکر می کنم از نظر شرعی کم و بیش همه چیز روشن است، قانونی هم روشن است. نهایت

حلیه توکلی / کارشناسی حقوق

مرد، زن، تقدم بلا دلیل!

(تفاوت‌های زنان و مردان در اشتغال به پست‌های مدیریتی)



باشند و توانایی درک تمام افراد خانه و راضی کردن آنها را دارند، در مدیریت شغلی‌شان هم می‌توانند برای کارمندان‌شان انگیزه‌ی کافی را ایجاد کرده، از راهکارهای مناسب جهت رضایت آن‌ها بهره‌گیرند و نیز دلسوز آن‌ها باشند.

آن‌ها جامعه را متشکل از افراد مختلف با عقاید متفاوت می‌بینند و در پذیرش این تفاوت‌ها، موفق‌تر از مردان عمل می‌کنند.

زنان، جزئی‌نگرند و مردان، کلی‌نگر؛ تقسیم قدرت برای یک مدیر زن، راحت‌تر است تا یک مدیر مرد؛ مردان به سلسله مراتب اهمیت می‌دهند و درجه برای آن‌ها بسیار مهم است.

مدیران زن، وجود مشکل را زودتر متوجه می‌شوند و در ارتباط با کارمندان و ایجاد انگیزه برای آنان بسیار موفق هستند.

اما نگاه جامعه همان است که بر شکاف این تبعیض نا موجه افزوده است، این نگاه که اگر زنی در مقامی اشتباه کرد، آن جایگاه، دیگر مناسب هیچ زنی نیست؛ حال آنکه جهان، پر است از اشتباهات مردانه...

اگر از دید انصاف بنگریم، شایستگی را فدای کلیشه نمی‌کنیم. حرفم نادیده انگاشتن تفاوت‌ها_آن‌هم در جایی که باید نیست؛ که اتفاقا اگر با عینک منطق، به آن‌ها بنگریم، پلی می‌شوند برای رسیدن به دنیایی زیبا تر؛ دنیایی که انسان‌ها، هر یک در جایی درست

هستند و بودن‌هایشان، جهان زیباتری ساخته است.

است که گمان می‌کنند یک زن نمی‌تواند سیاست مدار باشد، مدیر لایقی باشد یا نمی‌تواند چهره‌ای موثر در جهان شود مگر در موارد خاص و استثنایی (آن هم با روحیه‌ای مردانه!).

علیرغم همچنین تصوراتی، در وجود زن، ویژگی‌هایی است که خصوصا در دنیای امروز برای شغل‌هایی چون مدیریت، کارآمدتر است.

سخن این است که می‌خواهیم بعضی ویژگی‌های زن و مرد را در مدیریت مقایسه کنیم؛ از دیده انصاف و اعتدال...

مدیریت مردان مبتنی بر فردگرایی و کنترل محوری است (صرف نظر از ویژگی‌های فردی آنان)؛ و زنان از انعطاف پذیری خاصی برخوردارند که باعث می‌شود در پست‌های کارشناسی اثربخش تر ظاهر شوند. از آنجا که امروزه مدیریت، نسبی است و نه مطلق، داشتن این ویژگی در مدیریت، آن را کارآمدتر می‌سازد. دبرا بول (مدیر آموزشی مؤسسه مریخ - ونوس در نیویورک)، در این رابطه می‌گوید: مدیران زن معمولا اشتیاق بیشتری به ساختن دارند تا به بردن. زنان معمولا مایل به دست یابی و حصول توافق هستند و مایلند تا عقاید و نظریات دیگران را نیز بشنوند، و بالعکس آقایان فکر می‌کنند اگر از دیگران راهنمایی بخواهند، آن‌ها به عنوان یک رهبر ضعیف که از داشت پاسخ‌های مناسب بی بهره است شناخته می‌شوند.

زنان، همانگونه که می‌توانند در خانه مدیر لایقی

بودن یا نبودن، در جایگاهی که باید یا نباید... مسئله این است!

دیدگاهی که برخی گمان بر این دارند که امروزه و با مدرنیته شدن بسیاری از ابعاد زندگی بشر از بین رفته، تبعیض‌های جنسیتی است. عده‌ای گمان می‌کنند که صرف کار کردن بانوان، نشان دهنده رفع تبعیض بین زن و مرد در حیطه اشتغال است و همینکه زن اجازه دارد بیرون از منزل مشغول کاری شود کفایت می‌کند. وقتی با شما از مدیر یک شرکت، موسسه یا هر مجموعه‌ی نسبتا بزرگ دیگری صحبت می‌شود، اولین تصویر شما از او، مردی است با لباس رسمی و احتمالا حالت جدی چهره‌اش! اینکه مدیر یک شرکت زن باشد، از دید برخی نیازمند تصریح است!

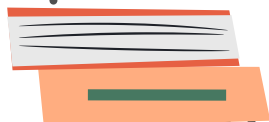
اما وقتی چرایش را می‌پرسیم، پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌شنویم؛ سخن از این می‌شود که زن، توانایی تحمل سنگینی بار اینگونه مسائل را ندارد و قس علی هذا!!

مسئله این است که تصویری که همواره به ما ارائه شده را باور کرده و گمان می‌کنیم خلاف آن هم ذیل استثنائات قرار می‌گیرد. بسیاری از زنان، این موضوع را باور کرده‌اند که پیشرفت حرفه‌ای آن‌ها تا حدی کفایت و اصلا نیازی نیست که برای بیشتر شدنش آن تلاش کنند. حرفم از محدودیت‌های ذهنی انسان‌ها است و نه توهین به شغل و منصبی خاص؛ چه بانوانی که در شغل خود، موفق، راضی و تاثیرگذار حاضر شده‌اند، در هر موقعیتی؛ اما روی سختم با آنانی

چند گام با زنان کارآفرین



واژه کارآفرینی حدود ۶ قرن پیش به مکاتب اقتصادی راه یافت.



کارآفرینی یعنی نوآوری، تعهد و ریسک پذیری .
نرخ کارآفرینی زنان در جهان، به شکل قابل توجهی رو به رشد است.



سهم زنان از کارآفرینی در جهان، از ۳ درصد در کشورهایی مانند ایتالیا، اردن و آلمان تا ۳۷ درصد در سنگال در نوسان است.

ایران در تازه‌ترین گزارش "مستر کارد" درباره وضعیت کارآفرینی زنان، با یک پله سقوط رتبه ۵۴ از ۵۸ را کسب کرده است.

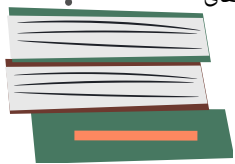
براساس مطالعاتی درباره ۶۰ کشور جهان، یافته‌ها حاکی از آن است که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، نرخ کارآفرینی زنان بیش از کشورهای توسعه‌یافته است.

براساس آمار مرکز جهانی کارآفرینی (GEM) از میان دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر نیروی کار در جهان، مردان ۵۰ درصد بیشتر از زنان در زمینه کارآفرینی مشغول هستند.

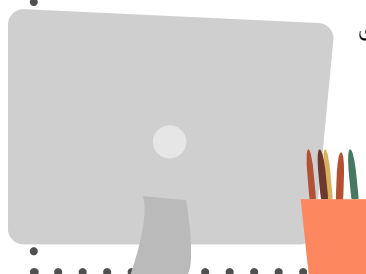


در سال ۲۰۱۲ میلادی تقریباً ۱۲ درصد از بنیانگذاران بنگاه‌های اقتصادی مبتنی بر کارآفرینی در جهان، زنان بودند و این میزان در سال ۲۰۱۵ میلادی به ۱۸ درصد افزایش یافته است.

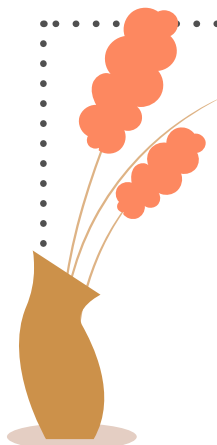
زنان در سال‌های اخیر نقش موثری در توسعه اقتصادی کشورشان ایفا کرده‌اند. فعالیت‌های اقتصادی زنان ۲۵ تا ۳۵ درصد کل فعالیت‌های جهان را تشکیل می‌دهد.



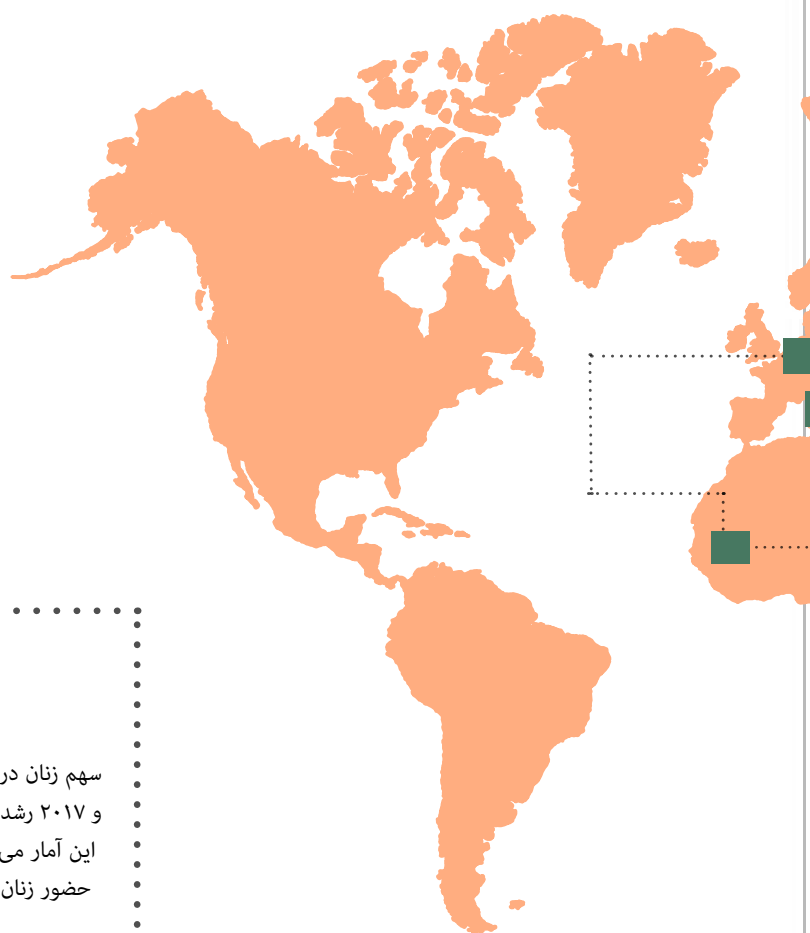
متمرکز شدن فعالیت کارآفرینان زن در بخش خدماتی، از نکات بحث برانگیز اقتصاد کشورهای جهان است.



سهم زنان در کارآفرینی جهان، در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است که این آمار می‌تواند یک نقطه قوت در فرایند حضور زنان در جامعه اقتصادی دنیا باشد.



هر چند نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران نسبت به حدود ۷۰ سال پیش دو برابر شده، اما زنان همچنان سهم بسیار کمی در اقتصاد و بازار کار ایران دارند.



هم به دار، هم به بار...

نقش زنان عشایر و روستا در رشد اقتصادی کشور

فاطمه اجل لوئیان / کارشناسی ارشد اقتصاد نظری

به زراعت برنج، ۹۰ درصد به تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، و ۳۰ درصد به محصولات باغی اختصاص دارد. همچنین سهم زنان را در پرورش کرم ابریشم ۹۰ درصد، در تولید صنایع دستی ۷۵ درصد و در فعالیت‌های دام‌پروری و قالی‌بافی، به ترتیب، بیش از ۵۰ درصد و ۹۰ درصد برآورد کرده‌اند. در کشور ما آمار و اطلاعات گوناگون، حکایت از این دارد که بیش‌تر زنان روستایی به گونه تمام وقت و یا نیمه وقت به انواع فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند. زنان عشایر هم‌چنین ۵۰ درصد تولیدات عشایر که بیشتر در حوزه‌ی دامداری است را به خود اختصاص می‌دهند. این آمار نشان از اهمیت ویژه فعالیت اقتصادی بانوان عشایر و روستایی دارد. اما نکته‌ی ثانی قابل توجه، هماهنگی زمینه‌ای کار زنان عشایر و روستایی با اهداف اقتصاد مقاومتی است.

زنان در عشیره و روستا با انجام فعالیت‌های متعدد اقتصادی به عنوان نیمی از نیروی کار باعث پویایی اقتصاد قبیله و روستا شده و با فرآوری‌های خاص روی محصولات باعث تعدد تولیدات روستایی و عشایری و جلوگیری از خام فروشی محصولات کشاورزی و دامی و ایجاد ارزش افزوده می‌شوند. جدای از آن، هم‌گامی ایشان در کار و پیشه خانوادگی باعث تربیت نسل آتی برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های نسل پیشین به طور کارآمد می‌شود. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های زنان روستایی اشتغال در زمینه صنایع دستی است که این صنایع اهمیت بالایی در خوداشتغالی زنان روستایی دارند. گرچه از نظر اقتصادی، کار در زمینه صنایع دستی نیاز به سرمایه‌گذاری چندانی نداشته و هر خانواده روستایی با هر میزان سرمایه‌ای می‌تواند در این زمینه مشغول باشد؛ اما با توجه به وجود بازارهای بین‌المللی مناسب و هزنی بودن زمینه این فعالیت‌ها، سرمایه‌گذاری مناسب چه از طرف دولت، چه تولیدکنندگان بخش خصوصی می‌تواند زمینه‌ی شکل‌گیری و ارتقا صنایع محصول دست زنان عشایر و روستایی و گسترش بخشی از صادرات غیر نفتی که از شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی است را فراهم سازد. در کنار این، خوداشتغالی زنان روستایی از طریق گسترش و توسعه صنایع دستی در روستاها می‌تواند تا حد زیادی نقش زنان را ارتقا داده و شرایط مناسب‌تری را از لحاظ اجتماعی و اقتصادی برای آنان فراهم نماید و این یعنی بازی برد برد! چرا که با توجه به وجود زمینه‌های فرهنگی، تعدادی از نیروهای بالقوه با سرمایه‌گذاری مناسب، فرصت بالفعل شدن یافته و کارآفرینی توسط خود زنان عشایر و روستا شکل

بر انجام فعالیت‌های خانه‌داری، فعالیت‌های مزرعه و دامداری را نیز انجام می‌دهند و در بسیاری از موارد، نقش سنگین‌تر و تعدد وظایف بیشتری نسبت به

نیل به اهداف اقتصادی کشور بدون توجه به افراد و گروه‌های موثر بر شکل‌گیری توسعه و رشد امکان ناپذیر است. به طور خاص شناسایی و توجه



مردان دارند. وظایف زنان و دختران عشایر و روستایی از سنین پایین شروع شده و با افزایش سن بیشتر می‌شود. در سنین بزرگسالی زن روستایی و عشایر کاملاً به فعالیت تولیدی مشغول بوده و این تا سنین سالخوردگی ادامه دارد. این امر نشان از کارایی و بالا بودن نیروی کار زنان روستایی و عشایر در کنار انجام امور عادی منزل و خانه‌داری و انجام وظایف مادری است. پاره‌ای از پژوهش‌ها سهم زنان روستایی را به عنوان نیروی کار کشاورزی در ایران، در مجموع ۴۰ درصد برآورد کرده است که از این مقدار، ۷۰ درصد

و سیاست‌گذاری روی گروه‌های کمتر شناخته شده و موثر بر اقتصاد ملی اهمیتی ویژه دارد. زنان روستایی و عشایر از جمله گروه‌هایی هستند که علی‌رغم اثر زیاد در حوزه اقتصاد، هم از نظر کیفی و هم کمی و حتی فرهنگ اقتصادی، مورد غفلت برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسائل توسعه قرار گرفته‌اند. بر اساس یک تقسیم کار کلی معمولاً گفته می‌شود که امور منزل به عهده زنان و فعالیت‌های بیرون از خانه به عهده مردان است، ولی این رویه در نواحی روستایی اعتبار زیادی ندارد؛ زیرا زنان روستایی و عشایر علاوه

وجود پرداخت به ازای کار بخش زیادی از فعالیت زنان در عشایر و روستا، سبب کم‌رنگ دیده شدن ظرفیت تولیدات در این بخش توسط دولت‌های مختلف بوده است، اما در پی جدی شدن لزوم اتکا به ظرفیت داخلی و عیان شدن بی‌ثباتی بودن توقع معجزه از بیرون مرزها و همچنین مشکلات فروش نفت و مضیقه درآمد نفتی در کشور، اهمیت توجه به ظرفیت‌های ارزشمند بومی در هر استان با توجه به فرهنگ و قومیت، به نحوی نقشه‌ی اقتصاد بومی ایران را رنگین کرده است و بیش از پیش مهم جلوه می‌کند و نقش زنان در ابعاد مختلف آن انکار ناپذیر است. لذا شایسته است مدیران، تصمیم‌گیران و سرمایه‌گذاران دولتی و خصوصی توجه بیشتری به ظرفیت اقتصادی زنان عشایر و روستاها نشان داده و در جهت رفع محرومیت‌ها و توسعه شرایط افزایش تولیدات ثانویه زنان در عشیره و روستا با نگرش منطقی به فرهنگ بومی هر منطقه بکوشند.

خواهد گرفت. در کنار این هم‌نشینی طولانی، دوستی فرهنگی این زنان با طبیعت سبب شده تولیدات ایشان شاخص توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های آتی را نیز دارا باشد.

متأسفانه علی‌رغم وجود ظرفیت‌های فراوان در زنان عشایر و روستا، هم‌چنان شاهد محرومیت‌های گسترده و همان‌طور که در ابتدای کلام رفت، تغافل سیاست‌گذاران نسبت به این ظرفیت‌ها بوده ایم. فی‌المثل آموزش دختران کوچنده و بهداشت زنان عشایر که هنوز با نواقص بسیار مواجه است، عدم دسترسی به منبع مالی حمایتی جهت گسترش تولیدات روستا و عشایر (که البته درباره عشایر این نابرابری جدی‌تر است)، حمایت‌های مدیران از تولیدات بومی جهت فروش داخلی و صادرات، سرمایه‌گذاری و برندسازی و تبلیغات، عدم ثبت دانش بومی زنان عشایر و روستا در تولیدات خاص و بسیاری دیگر هنوز از مشکلات تولیدات زنان روستا و عشایر است. گرچه به نظر می‌رسد پنهان بودن و عدم



زنان سرپرست خانوار، اجبار یا انتخاب؟

فاطمه زهرا هراتی / کارشناسی روانشناسی

یا به خاطر ازدواج مجدد، تصمیم به انتخاب این گزینه‌ها می‌گیرد. در مواردی دیده می‌شود زن به خاطر شدت علاقه و مسئولیت‌پذیری در قبال فرزندان سرپرستی را بر عهده می‌گیرد و با پول کافی که دارد، تصمیم می‌گیرد زندگی را مطابق میل خود بچرخاند و برای امنیت بیشتر، خود را به سازمان‌ها معرفی کند.

از جمله مواردی که باید به آن توجه شود، ایجاد یک زمینه خوب و سازنده

تحت نظر سازمان‌ها، در رابطه با اشتغال زنان است؛ می‌توان از طریق یک بستر مناسب و ایجاد ارتباط با مساجد و سرای محله، آموزش‌های لازم مانند خیاطی، قرآن‌آموزی و انواع فعالیت‌های فنی و هنری و علمی را به زنان یاد داد تا بتوانند با کارآفرینی در خانه‌های خود، خرج ماهانه و حتی سالانه را در بیاورند. این‌گونه فعالیت‌ها و ارتقا و توسعه آن‌ها توسط زنان، باعث می‌شود:

۱- روحیه خود را در مواجهه با مشکلات از دست ندهند و بتوانند با تلاش به خواسته‌های خود برسند و فرزندان آینده‌داری را به جامعه تحویل دهند.

۲- نرخ بیکاری زنان کم‌تر می‌شود و جامعه رو به پیشرفت می‌رود.

۳- زنان می‌توانند با آموزش مهارت‌های خود به دیگران، علاوه بر کسب درآمد، سطح آموزشی کشور را ارتقا دهند.

۴- اگر همسر در بستر بیماری است یا به زندان افتاده است، زن می‌تواند با پس‌انداز خود حداقل بار این مشکلات را کم کند.

با توجه به سخنان گفته‌شده، در بیش‌تر مواقع به خاطر رخ دادن اتفاقات غیرمنتظره در زندگی و حس مسئولیت‌پذیری زن نسبت به خانواده، می‌توان گفت ۸۰ درصد از زنان سرزمین مجبور به قبول کردن سرپرستی خانوار هستند تا بتوانند مشکلات را کاهش

داده و آرامش را به زندگی خود برگردانند.



هم کسب درآمد داشته باشند و هم مهارت آموخته را ارتقا یا آموزش دهند.

۲- این زنان مجبور به سرپرستی خانوار خود شده‌اند یا انتخاب کرده‌اند؟

با توجه به مشکلات متعددی که بعد از ازدواج و تشکیل خانواده در حیطه‌های مختلف به وجود می‌آید، زن خانواده در مواردی، چه کم و چه زیاد، باید مشکلات به‌دوش کشیده را حل‌وفصل کند. پس می‌توان هم انتخاب و هم اجبار را برای زنان از جهات مختلف بررسی کرد. بعضی از زنان هستند که به خاطر اعتیاد همسر، زندانی شدن پدر خانواده یا فوت همسر و یا حتی طلاق، به خاطر نبود شوهر مجبور هستند سرپرستی فرزندان خود را به عهده گیرند و با درآمد کمی که دارند، زندگی را بچرخانند و خود را به سازمان‌های ذی‌ربط معرفی کنند تا تحت پوشش قرار بگیرند. ممکن است پدر و مادر خود همسر و زن، یا فوت شده باشند یا نخواهند مسئولیت فرزندان را قبول کنند. اصولاً اگر این اتفاق پس از گذشت سال‌ها برای زن بیفتد، می‌تواند فرزندان خود را رها کند، پس مجبور است برای نگهداری و تربیت آن‌ها سرپرستی را قبول کند. در جامعه‌ای مانند ایران، مشکلاتی که برای زن در خلال این مسئولیت‌پذیری به وجود می‌آید، کم نیست و هنجارهای فراوان اجتماعی به زن آسیب وارد می‌کند؛ بنابراین بهتر است بعد از سرپرستی به سازمان مراجعه کند.

در برخی موارد زن دست به انتخاب می‌زند. اینکه خود سرپرستی را بر عهده بگیرد یا فرزندان را به خانواده‌ای دیگر از خویشاوندان واگذار کند و یا حتی تا پیش از ۱۸ سالگی آن‌ها را به سازمان‌های بهزیستی بفرستد. در این‌گونه موارد، زن یا به دلیل بی‌پولی

مشاور زنان و خانواده‌ری یا ست جمهوری می‌گوید: «در حال حاضر بیش از سه میلیون زن سرپرست خانوار در سراسر کشور وجود دارد و آمارهای به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که طی ۱۰ سال گذشته، تعداد خانواده‌های دارای سرپرست زن، نسبت به مردان ۵۸ درصد افزایش داشته است.» و اما موضوع چیست؟ ابتدا باید از معنای این سه کلمه سردبیاوریم. در میان تعاریف متعدد که از زنان سرپرست خانوار

گفته می‌شود، جامع‌ترین تعریف را مرکز آمار ایران دارد که می‌گوید: «به زنانی، زنان سرپرست خانوار گفته می‌شود که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانوار را بر عهده می‌گیرند و مسئولیت اداره اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی خانوار را بر عهده دارند.» از نظر کمیته امداد و بهزیستی، زنان سرپرست خانوار فقط شامل زنانی که شوهرشان فوت کرده یا طلاق گرفته‌اند، نمی‌شود؛ بلکه زنانی که همسرشان دچار کارافتادگی شده، زنانی که همسرشان حکم زندان طولانی‌مدت دارند، زنانی که همسرشان به خدمت سربازی اعزام شده است و ... نیز شامل تعریف زنان سرپرست خانوار و مشمول دریافت مستمری می‌شوند که البته از یکی از این دو سازمان حمایتی می‌توانند خدمات مستمری دریافت نمایند.

مهم‌ترین سؤالاتی که بعد از فهمیدن این تعریف به وجود می‌آید، این است که:

۱- زنان سرپرست خانوار تحت پوشش چه سازمان‌هایی قرار دارند و آیا به اندازه‌ی کافی به آن‌ها رسیدگی می‌شود یا خیر؟

این زنان معمولاً تحت نظارت کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور هستند و بنا بر آمار ارائه‌شده، سازمان بهزیستی حدود ۲۵۰ هزار نفر از این زنان را تحت پوشش قرار داده و کمیته امداد هم حدود ۲ میلیون نفر را تحت پوشش دارد. علاوه بر پرداخت مستمری، دولت با کمک این سازمان‌ها، پس از شناسایی افراد، آن‌ها را بیمه می‌کند و سعی دارد بعد از مهارت‌آموزی، آن‌ها را تشویق به راه‌اندازی مشاغل خانگی کوچک کند تا از طریق این مشاغل

میدان سیاست، زنان دوشادوش مردان

(نگاهی بر اشتغال سیاسی زنان در ایران)

حکیمه امینی / کارشناسی علوم سیاسی



قوه مجریه

در دوران ریاست جمهوری آقای رفسنجانی، دفتر امور بانوان در نهاد ریاست جمهوری ایجاد شد. در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، مرکز مشارکت زنان با هدف ایجاد تشکیلاتی هدفمند، برای رسیدگی به مسائل مربوط به زنان در سراسر کشور ایجاد شد و ریاست آن با خانم زهرا شجاعی بود. دیگر زن حاضر در کابینه، خانم ابتکار به عنوان معاون ریاست جمهوری و رئیس سازمان محیط زیست انتخاب شد.

در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، سه زن به عنوان وزیر (وزارت آموزش و پرورش، وزارت رفاه و وزارت بهداشت) به مجلس معرفی شدند که تنها خانم مرضیه وحید دستجردی توانست رای اعتماد مجلس شورای اسلامی را کسب کند.

دیگر زنان حاضر در دولت آقای احمدی نژاد:

خانم مجتهد زاده، رئیس مرکز زنان

خانم فاطمه بداغی؛ مشاور حقوقی رئیس جمهور

خانم سلطانخواه؛ معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور

خانم مینو کیانی؛ معاون ارزی بانک مرکزی

خانم اردکانی؛ رئیس سازمان میراث فرهنگی

در دوران ریاست جمهوری آقای روحانی، خانم ابتکار به عنوان رئیس سازمان محیط زیست در کنار رئیس جمهور می باشد.

در وزارت امور خارجه، آقای ظریف تصمیم گرفت سه پست کلیدی را در اختیار سه زن قرار دهد؛ سخنگویی

وزارت خارجه، نمایندگی ایران در ژنو و واگذاری مسئولیت یکی از سفارتخانه های ایران در خارج از کشور.

در عرصه این فعالیت ها، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسئله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا -در خیابان، در اداره، در تجارتخانه- داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم نیست. این را باید رعایت کنند؛ هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند.

قوه مقننه

در دوره یازدهم مجلس با حضور ۱۷ زن در پارلمان، بیشترین آمار نمایندگان زن را نسبت به ادوار گذشته شاهد هستیم.

مشاغل سیاسی منحصر به این ها نیست و تعدادی از

زنان در شوراهای شهر و روستا نیز مشغول به فعالیت هستند.

توجه به فعالیت های اجتماعی زنان در جمهوری اسلامی، هم در سخنان مقام معظم رهبری به عنوان شخص اول مملکت و تعیین کننده سیاست های کلی نظام، نمایان است و هم در قوانین پیشبینی های لازم صورت گرفته است؛ «عرصه دوم، عرصه فعالیت های اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه میدان های زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه فعالیت های متنوع در همه ی میدان ها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد میتواند درس بخواند، زن نمی تواند؛ مرد می تواند درس بگوید، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه این فعالیت های مربوط به جامعه بشری و فعالیت های زندگی، زن و مرد دارای اجازه مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آن ها تطبیق نمی کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمی کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می تواند در

طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به ایجاد تسهیلات لازم برای اشتغال زنان در عرصه‌هایی که دارای توانمندی هستند، اشاره شده است: "با توجه به نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت، باید تسهیلات لازم برای اشتغال آنان از سوی دستگاه‌های اجرایی فراهم آید و برنامه‌ریزی‌های مناسب حسب اولویت صورت گیرد و به علاوه قوانین و امکانات فوق‌العاده‌ای نیز برای اشتغال زنان تا سرحد رفع نیاز در ردیف‌های الف و ب مشاغل در نظر گرفته شود و در خصوص ردیف ج، زنان نیز مانند مردان قادر باشند بدون تبعیض شغل مطلوب خود را به دست آورند." (۲)

اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا، همه آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان، از مسئولیت اجتماعی برخوردار میکند. این که می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه اسلامی و امور جهان اسلام و همه مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه اسلامی است. (۱) با توجه به سخنان مقام معظم رهبری، زنان باید در سه عرصه فردی، اجتماعی و خانوادگی وظایف خود را

میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، میتواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد...

البته در عرصه این فعالیت‌ها، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسئله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا -در خیابان، در اداره، در تجارتخانه- داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان،



اینکه زنان نیمی از جامعه هستند و موتور کشور بدون یاری آنان به درستی حرکت نمی‌کند، غیرقابل انکار است، در سیاست‌های کلی نظام و قوانین نیز به این امر اشاره شده است؛ اما وضعیت کنونی به‌طور کامل نشان‌دهنده اجرای این سیاست‌ها نیست و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، بایستی تلاش‌های بسیاری کرد.

بشناسند و باید شرایط به‌گونه‌ای باشد که به حضور زنان در این سه عرصه لطمه‌ای وارد نیاید. مطلب قابل توجه در این فرمایشات، ایجاد شرایط امن و سالم برای حضور زنان در عرصه اجتماعی است و نه جلوگیری از ورود زنان به این حوزه‌ها. با توجه به فرمایشات ایشان، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و وظیفه اسلامی است و زنان نیز باید کنشگری در این حوزه‌ها داشته باشند، چه در داخل، چه در جهان اسلام و مسائل بین‌الملل. اما این کنشگری و حضور در مشاغل اجتماعی شرط مهمی دارد، اینکه روابط زنان و مردان کنترل شده باشد، رعایت حجاب اسلامی می‌تواند به این مسئله کمک کند اما کافی نیست، باید به عفاف نیز توجه کرد و بهتر است زنان هنگام ورود به جامعه، چه به صورت شاغل و چه به صورت غیرشاغل، مهارت‌های اجتماعی لازم را کسب کرده تا سلامت اجتماعی را به مخاطره نیندازند و محیط امن و سالمی را برای خود و دیگران به وجود آورند.

حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم نیست. این را باید رعایت کنند؛ هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند. اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن رعایت شود، همه کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه اجتماعی انجام دهند، زنان هم -اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصت را داشته باشند- می‌توانند انجام دهند. پس، در عرصه دوم -که عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیت‌های گوناگون است- زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلایقی را که احساس میکند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس میکند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدانها باز است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم

۱. سخنرانی در اجتماع زنان خوزستان ۷۵/۱۲/۲۰

۲. سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران

(مصوب دویست و هشتاد و هشتمین جلسه مورخ ۷۱،۵،۲۰

شورای عالی انقلاب فرهنگی)

شماره ۱۹۶۲۲ د - تاریخ ۷۱،۵،۲۶ ماده ۵۵

اما و اگرهای خانه و اشتغال

نگاهی به خانواده و اشتغال زنان در اقتصاد مقاومتی

سینا علمداری / کارشناسی روانشناسی

پیشرفت و توسعه کشور خواهد داشت که با توجه به مبنای اقتصاد مقاومتی بر پایه عدالت، مطمئناً باعث پیشرفت عادلانه در جامعه خواهد شد. تحقیقات زیادی در زمینه زنان شاغل در کشورهای مختلف جهان انجام شده است که بیشتر آن‌ها تاثیر اشتغال زن بر خانواده را مخرب دانسته‌اند.

تحقیقات نشان داده‌اند زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل، نقش‌های خانوادگی (همسری و مادری) را بهتر ایفا می‌کنند؛ اما زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند. (کوثری، ۱۳۸۹) از طرفی اگر بخواهیم یک بررسی براساس روانشناسی تحولی انجام دهیم، به این مهم برمی‌خوریم که عمده تربیت فرزندان، مخصوصاً در چند سال ابتدایی زندگی که نظام دلبستگی کودک شکل می‌گیرد، بر عهده

مادر است؛ اما اگر همین مادران از اعتماد به نفس و اقتدار برخوردار نباشند، الگوی مناسب رفتاری برای کودک خود نخواهند بود. در اقتصاد مقاومتی این مشکل حل می‌شود؛ یعنی برخی زنان می‌توانند به‌صورت دورکاری شاغل باشند یا حداقل نیمی از زمان خود در هفته را دورکاری کنند و باقی زنان که دارای مشاغل فاقد قابلیت دورکاری مانند پزشکی هستند، زمان مشخص و کم‌تری (نسبت به مردان) را در محل کار بگذرانند.

اگر اقتصاد مقاومتی به شکل واقعی خود اجرا شود، نه آسیب به بنیان خانواده‌ها را خواهیم داشت و نه آسیب به اعتماد به نفس و اقتدار زنان را. یکی دیگر از نتایج رفتاری اقتصاد مقاومتی بر خانواده‌ها این خواهد بود که در نتیجه اعتماد به نفس و اقتدار زنان در خانواده، ساختار قدرت نیز به شکل دوسویه اجرایی خواهد شد و سیاست‌گذاری‌های خانواده به صورت اشتراکی توسط مرد و زن انجام خواهد شد. همچنین که آن تاثیر منفی که اقتصاد سرمایه‌سالاری بر زن می‌گذارد - که هم از زن شاغل بودن را می‌خواهد و هم مادر بودن و خانه‌داری را -، خنثی می‌شود و دیگر اشتغال زنان به شکل ویژه اقتصاد مقاومتی تاثیر سوء بر سلامت زنان نخواهد داشت و تاثیر رفتاری نهایی اقتصاد مقاومتی این خواهد بود که با حضور زن در خانه - و یا حضور محدودش در محل کار - مشکل کاهش تعداد فرزندان که در نتیجه الگوی اشتباه و غربی شاغل شدن زنان رخ داده، از بین

می‌رود.

خانوارهای کشور سازمان‌دهی شوند و الگوی مصرف آنها استخراج گردد. مدیریت الگوی مصرف در تقریباً ۲۰ میلیون خانوار ایرانی، تحقیقاً بر عهده زنان می‌باشد. به‌عبارتی مادران، مدیریت الگوی مصرف در همه جوامع را بر عهده دارند. بنابراین، برای



ایجاد اقتصاد مردم‌سالار، یک دولت اسلامی باید برنامه‌ریزی خود را مبتنی بر خانواده و زنان نماید تا بتواند موفقیت خود را تضمین کند. الگوی اقتصادی مردم‌سالار و خانواده‌محور، براساس الگوی اقتصاد اسلامی، ابتدا مدیریت توزیع را به‌دست می‌گیرد؛ یعنی توزیع کالاهای مصرفی خانوارها براساس نوع و میزان مصرف آنها. بعد از مدیریت توزیع که خود عامل اشتغال در خانوارها می‌باشد، نوبت به مدیریت تولید در صنایع تبدیلی می‌رسد. بطور مثال، مدیریت توزیع می‌تواند در مورد توزیع رب گوجه فرنگی برای مصرف خانوارها باشد و مدیریت تولید در صنایع تبدیلی، کارخانه‌های تبدیل گوجه به رب گوجه فرنگی باشد. بنابراین مدیریت توزیع و مدیریت تولید در صنایع تبدیلی، اولویت اصلی در اقتصاد مردم‌سالار و خانواده‌محور است که می‌تواند به مدیریت مصرف و همچنین به مدیریت اشتغال در خانواده‌ها منجر شود. در مجموعه این فرآیندهای اقتصادی، همه مردم و همه خانوارها سهام‌دار فعالیتهای توزیعی و تولیدی خواهند شد و زنان در همه این فعالیت‌ها نقش محوری دارند.

وقتی زنان اشتغال پایدار و مطمئنی داشته باشند و همزمان با اشتغال مدیریت الگوی مصرف، توزیع و تولید را نیز برعهده داشته باشند، قطعاً اعتماد به نفس و انگیزه آن‌ها برای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بیشتر شده و همه این موج‌های مثبت به مردان و فرزندان هر یک از خانواده‌ها منتقل شده و باعث می‌شود آینده جامعه ما بسیار روشن و پرامید باشد. جامعه پرامید، خود اثری چند برابر بر

در این مقاله سعی داریم که به فرصت‌های شغلی اقتصاد مقاومتی برای زنان، نقش آنان در این اقتصاد و تاثیرات رفتاری شاغل بودن زنان بر خانواده در این اقتصاد را مورد بررسی قرار دهیم.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، زنان،

هم به عنوان نیروهای کاری فنی و تخصصی و هم به عنوان نیروهای عالی تحصیل کرده، در همه حوزه‌های مختلف کشور از جمله پزشکی، مهندسی، علوم انسانی، و حتی عرصه‌های عالی هنری، وارد بازار کار شدند و در حال حاضر، هر روزه بر اهمیت راه‌بردی زنان در عرصه‌های مختلف حکومت افزوده می‌شود. اشتغال زنان در بسیاری از مسائل کشوری و حتی لشکری باعث ارتقای کارآمدی در نظام شده است؛ اما یکی از نگرانی‌های اشتغال زنان در

جامعه امروزی، بحث قوام و استواری بنیان خانواده‌ها و نقش کلیدی زنان در تربیت نسل آینده است. با راه‌اندازی واقعی و عملیاتی اقتصاد مقاومتی (مردم‌سالار و خانواده‌محور)، برای همه زنان بیست میلیون خانوار کشور به‌خودی‌خود، شغل تعریف می‌شود که تعداد زیادی از این مشاغل به راحتی در منزل و به صورت دورکاری قابل اجراست و مواردی هم که نیازمند حضور زنان در محل کار می‌باشد، با تعداد ساعات بسیار کم‌تر قابل اجراست. بنابراین، بنیان خانواده و هدف اساسی آن که همانا تربیت نسل آینده است، با راه‌اندازی اقتصاد مقاومتی به راحتی قابل اجرا می‌باشد.

اقتصاد در کل دنیا سه نوع است: اقتصاد سرمایه‌سالار، اقتصاد دولت‌سالار، و اقتصاد مردم‌سالار. در اقتصاد سرمایه‌سالار، اساس و نخ تسبیح سرمایه است و بهره (ربا)، مبنای این اقتصاد می‌باشد که مثال بارز آن، اقتصاد در حال فروپاشی آمریکاست. اقتصاد دولت‌سالار که مبتنی بر دولت بوده و نوعی اقتصاد دستوری است، در کشورهای کمونیستی همانند شوروی سابق وجود داشته است. اما اقتصاد مورد تایید اسلام، اقتصاد مردم‌سالار می‌باشد. یعنی اقتصادی که نخ تسبیح آن اخوت و برادری اسلامی است. در این نوع اقتصاد، مردم نقش اصلی را در مدیریت توزیع، تولید و مصرف بازی می‌کنند. اقتصاد مقاومتی که مبنای آن از سال ۱۳۸۶ در بیانات امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) مطرح شده است، براساس همین اقتصاد مردم‌سالار و اسلامی می‌باشد.

برای راه‌اندازی اقتصاد مردم‌سالار، ابتدا باید مجموعه

آه، چه بی بها شدم!

زهرا غلامی / کارشناسی حقوق

مغازه موبایل فروشی (ساعت ۲۱:۳۰):

پسری جوان با استایلی نه چندان مناسب وارد مغازه می شود، به سمت پیشخوان می رود و با لبخندی بسیار گشاده خطاب به دختر خانم حاضر در مغازه می گوید: سلام خاخی، آقا سامان نیست؟

دختر صورتش را بالا می آورد و تازه متوجه صورت غرق در آرایش او می شوم: سلام نه. برای کاری رفتند. بفرمایید بنشینید تا ببینند؛ البته ما یک ربع پیش باید می رفتیم [با چشم به من اشاره می کند و ادامه می دهد:] اگر این آقا اصرار به تعمیر موبایلش نداشت.

پسر سری تکان می دهد: می فهمم، من هم بی زینس من هستم و درک می کنم. البته ساعات کاری ما تا هشت شب است.

چشمان دختر می درخشد: مشغول چکاری هستید؟

پسر با لبخندی کج پاسخ می دهد: من بوتیک دارم و طراح استایل های ناب!

بار دیگر سر تا پایش را برانداز می کنم، چه زمانی این وضع نامناسب استایل ناب نام گرفت و این کار شد بی زینس، به یاد می آورم.

باز صدای پسر رشته ی افکارم را پاره می کند: هوا چقدر سرد شده است. آق که یک لیوان چای می چسبد به همراه قلیان.

واضح می بینم که آیا این جمله را با چشمکی به پایان رساند یا به خنده ای قهقهه آمیز اکتفا کرد.

دختر در پاسخ می گوید: اگر من هم زودتر ساعات کارم به پایان رسیده بود حتما به کافه می رفتم.

پسر در حالی که دستش را روی شانه دختر گذاشته می گوید: مرگ من؟ از خودمان هستی پس... راستی نامت چیست؟

نام دختر را به یاد ندارم اما در ذهنم هست که پسر به سمت او دست دوستی دراز کرد و گفت: من را امیر صدا کن و بعد رفت پشت پیشخوان: ازکی اینجا کار می کنی؟ من زیاد اینجا می آیم اما تا جایی که به یاد دارم، فروشنده سامان، پسری بیست و پنج، شش ساله بود که نمی دانم او را دیده ای یا نه! اما نه قیافه داشت و نه زبان.

دختر سریع گفت: نامش سبحان بود، سامان گفت عذر او را خواسته چون مشتری ها را می پراند. روزی که برای استخدام آمدم سامان گفت باید اینگونه لباس بپوشم. [در حالی که روی صندلی نشسته بود، چرخ زد.] حتی از فریمه، دوستم را می گویم، اتفاقا در همان کافه هم کار می کند، پرسیدم که چه بگویم و کی لبخند برنم، چه زمانی اخم کنم تا مشتری بفهمد من جدی هستم و.... این یک هفته ای که اینجا بودم سامان راضی بود.

امیر در جواب گفت: باید هم راضی باشد. پس یک هفته است که اینجا مشغولی.

همان لحظه مردی دیگر وارد مغازه شد. رو به امیر گفت: موبایلی در رنج قیمت پنج-شش تومان می خواهم. ممکن است معرفی کنید؟

امیر که حالا داشت برای خودش چای می ریخت با چشم به دختر اشاره کرد. دختر که حالا ایستاده بود، لباس های زننده اش خودتمایی می کرد. به زمین چشم دوختم.

دختر گفت: خیلی خوش آمدید. فرمودید تا چه قیمتی؟

مرد خواسته اش را تکرار کرد. اینبار دختر با صدایی حزن آلود گفت چقدر حیف! در این رنج قیمت، کاری که مناسب شما آقای محترم و شیک باشد، نداریم. می توانید یک و نیم بیشتر هزینه کنید؟

به طرف قفسه رفت و در حالی که یک گوشی به دست داشت، به سمت مرد آمد و گفت: این کار محشر است، ببینید خودم هم دارم. بعد با لبخندی گفت هرچند من مثل شما چنین ساعت گران قیمتی ندارم اما باید بگویم از این مدل گوشی، هم رنگ با ساعت شما را دارم و که ست جذابی می شود، راستی شما مهندس هستید؟

مرد جوان که معذب شده بود گفت البته...

دختر اجازه نداد مرد بقیه حرفش را بگوید: خیلی هم عالی! پس همین را بردارید. اجازه بدهید الان تمام ویژگی هایش را برایتان می گویم

تلفن مغازه زنگ زد و دختر با گفتن چند لحظه لطف، آن را جواب داد: سلام مامان. چرا به مغازه زنگ زدی؟

.....

مادر من، مشتری داریم.

.....

بچه که خواب است. پس مشکل چیست؟

.....

تو نگران بچه ی من نباش، خودم میدانم چه برای او خوب است و چه چیز بد.

.....

مشتری دارم. نیم ساعت دیگر می آیم. و تلفن را قطع کرد.

همان لحظه صاحب مغازه که حالا می دانستم سامان نام دارد آمد: به به داداش امیر. از کی اینجا هستی؟

بعد به سمت من آمد: جناب این خدمت شما.

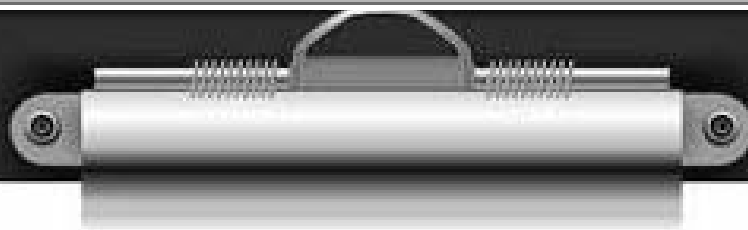
زیر لب تشکری کردم و از مغازه خارج شدم. آه از مادران سرزمینم و آه از آینده ای که فرزندان این مادران خواهند ساخت...

چنین مکالمات و برخورد هایی برای ما غریب نیست، بار ها در فروشگاه های بزرگ، هایپر مارکت ها، بوتیک ها، مغازه های فروش اجناس و لوازم خانگی و... شاهد این چنین صحنه های بوده ایم. مکالمات کاملا غیرضروری اما جذاب و دوستانه که متأسفانه، نقش یک طرف مکالمه را بانویی که علاوه بر زیبایی خدادادی، بوم نقاشی لوازم آرایشی شده و لباس هایی نامناسب در عین حال چشم فریب بر تن دارد، ایفا می کند.

بار ها هنگام عبور از کنار کافی شاپ ها و رستوران ها، کاغذی را دیدیم که نوشته شده: به یک سالن دار خانم با حقوق و مزایای عالی نیاز مندیم.

حتی در تبلیغات تلویزیونی شاهد تبلیغ یکسری اجناس که ذاتا مربوط به خانم ها نیستند مانند کف پوش اتومبیل (!) بوده ایم.

شاید در مواجهه با یکی از موارد فوق، با بی توجهی رد شویم اما وقتی تمام این موارد را کنار هم می چینیم، به یک نتیجه می رسم: نتیجه ای که با کنار هم گذاشتن تکه های پازل واصل می شود: سواستفاده



از زنان.

این سواستفاده در قالب های فراوانی عرض اندام می کند که بارز ترین آن، جلب مشتری و افزایش میزان فروش است.

گیری جنس زن در کنار زیبایی و دل فریب بودن، جزئی از ذات اوست. قطعا توانایی زبان بازی دختری جوان با لیخندی غرق در ماتیک بسیار بیشتر از جنس مرد است که ذاتا سخت آفریده شده است.

اما با بیان این واقعیت ها، عده ای سر به اعتراض بلند می کنند که ما برای دل خودمان می رویم؛ زن که نباید در خانه بماند و بپوسد. من موجودی اجتماعی هستم و نیاز به حضور در اجتماع دارم.

در پاسخ این دوستان، رجوع به یکی از سخنرانی های رهبری در اسفند

۱۳۸۳ توصیه می گردد. ایشان در این سخنرانی می فرمایند: "یکی از

چیزهایی که در دنیا در باور فرهنگ های غربی یک چیز مسلمی شده است، این است که زن، چنانچه شغلی در خارج از خانه

نداشته باشد، از زینتش کم است. نان درآوردن مطلقا جزو وظایف

زن نیست، ((شغل)) غیر از ((فعالیت اجتماعی)) است.

نان درآوردن از یک کار در بازار و اداره و خیابان، غیر از

این است که انسان یک کار را به عنوان یک حرکت

اجتماعی، یک کار لازم و یک فریضه انجام دهد. این

محترم است و بین زن و مرد مشترک. تایپ و کارمندی

و فروشنده گی، فعالیت اجتماعی نیست.

ایشان در جای دیگر می فرمایند: شغل اصلی و اولیه

زن، زن خانه بودن است. این تحقیر نیست، این

احترام به زن است. این تجلیل زن است. زن خانه را

اداره می کند و او بیشتر احترام پیدا می کند. مرد هم

پادویی اش را می کند. وقتی هم پای مسوولیت های

اجتماعی رسید، پای مبارزه رسید، پای سیاست رسید،

هر دو باید حاضر بشوند...اما از این محیط اجتماعی

و فعالیت های سیاسی و این ها که گذشتیم، به سراغ

خانه که رفتیم آنجا سوگلی خانه، زن است و پادوی

خانه مرد.

می بینیم که در موارد اجتماعی به معنای واقعی

کلمه و همچنین موارد سیاسی، حضور زن یک تکلیف

قلمداد شده است. یعنی حضور زن به عنوان معلمی

که کار آموزش و پرورش کودکان و جوانان این مرز

و بوم را عهده دار است؛ یک تکلیف است. حضور

پزشک مامای زن که از ضروریات جامعه است، یک

فریضه است. حضور بانوان مشغول در مشاوره و

وکالت مشروط بر اینکه هم زبان و دلسوز هم

جنس خود باشند و آگاهانه و عاقلانه، مانع از گسست

نهاد خانواده شوند و این پیوند آسمانی را حفظ

کنند، ضروری است و به همین ترتیب، حضور زنان

به هنگام مسوولیت های اجتماعی این چنینی، لازم

است و هیچ منعی وجود ندارد. پس چرا زن باید

به بهانه ی حضور در اجتماع، از ظرافت های زنانه

اش مایه بگذارد و بر وجود و هستی خود چوب

حراج بزند؟ چرا باید طعمه ای باشد برای رسیدن به

اهداف پست دنیوی و در این رهگذر، از احترام و تجلیل بگذرد و بر

لذت هایی چون مادر بودن چشم فرو ببندد؟

در پایان، رجوع به سخن بنیان گذار انقلاب، امام خمینی (ره)

خالی از لطف نیست: اشرف کار ها در عالم، مادر بودن و تربیت

اولاد است. هیچ شغلی به شرافت مادر بودن نیست. همه منافع

کشور ما از دامن شما مادر ها تامین می شود. شما ها هستید

که می توانید مملکت را نجات بدهید با تربیت اولاد. این خیانت

بزرگی است که به ملت ما کردند، که مادر ها را منصرف کردند

از بچه داری. در صورتی که از دامن همین مادر ها، مالک اشترها

پیدا می شود.



خون بس، این بار جنون بس!

مصاحبه با سرکار خانم نوال نزاری، وکیل پایه یک دادگستری و رئیس اسبق کانون وکلای خوزستان

نیره سادات موسوی/ کارشناسی حقوق



سازش بین دو طایفه میشود.

دلیل اینکه فصلیه را دختر انتخاب کردند، صرفاً برای جنبه ازدواج و زاد و ولد مسئله است.

در دیگر کشورها هم سنت خون‌بس یا مشابه آن وجود دارد؟

در کشور عراق نیز برخی قبایل، عیناً همین جریان خون‌بس را دارند؛ همچنین در لرستان بین عشایر چنین رسمی بوده است، اما در حال حاضر منسوخ شده است. همچنین در ترکیه نیز میان عشایر ترک این رسم وجود دارد. ممکن است در دیگر کشور های همسایه هم این رسم بوده باشد و حالا منسوخ شده باشد، کما اینکه در خوزستان هم جریان خون‌بس به جز یک مورد که اخیراً در خوزستان اتفاق افتاد و من بسیار از وقوعش جا خوردم، خیلی کم‌رنگ شده و سال‌هاست اقدامی از سوی عشایر جهت خون‌بس صورت نمی‌گیرد و درواقع این رسم به نوعی منسوخ شده است.

خون بس و یا اصطلاح فصلیه که از فصل به معنای حل و فصل کردن ریشه گرفته درواقع برای جلوگیری از شکایت های پیاپی و قتل های دیگر برای انتقام، خانواده ی قاتل به منظور کسب رضایت خانواده ی مقتول دختری از خانواده ی قاتل - حالا میتواند دختر یا خواهر قاتل باشد و یا از بستگان درجه یک مانند دختر عمه و... قاتل باشد - را به عنوان عروس به مردی از خانواده ی مقتول میدهند که این مرد مثلاً می تواند پسر باشد یا جوان، پدر مقتول باشد یا برادر یا پسر مقتول و... در هر صورت آنها دختری را بدون اینکه حتی رضایتی داشته باشد به ازدواج مردی از خانواده مقتول در می آورند.

فواد سرش را زیر انداخته بود، آقا جان که سفیدی چشمانش حالا از رگ های خشم قرمز شده بود و مشّت چروک شده اش خودنمایی می کرد، گفت: ((با شیخ قاسم حرف زد؛ گفته اند یا قصاص، یا... -چشمانش را به من دوخت- یا سمیره)) فواد سرش را بالا آورد، نیم نگاهی به آقا جان کرد و نگاهی به من، و من با سردرگم ترین سمیره درونم به او خیره شدم، کار دیگری هم از دستم بر نمی آمد؛ مادر همیشه می گفت حرف زدن روی حرف آقا جان از مرگ هم بدتر است و حالا زنده ماندن فواد هم به من بستگی داشت، البته به من که نه، به نگویند بخت شدنم، به درس نخواندنم، به اینکه یک عمر با نگاه کسانی زندگی کنم که مرا هم خون قاتل عزیزشان می دانند... کاری از دستم بر نمی آمد، در ۱۱ سالگی فصلیه شدم...

خون‌بس؛ سنت منحوسی که گمان می کردیم منسوخ شده، اما همچنان زنده است و روح و جان زنان را می خراشد و نابود می کند؛ در این شماره از ارغوان، مصاحبه ای داریم با سرکار خانم نوال نزاری، دومین بانویی که در ایران به ریاست کانون وکلا منصوب شده است، ایشان در سال ۵۸ پروانه وکالتشان را دریافت کرده و تا سال ۱۳۹۸ رئیس کانون وکلای خوزستان بودند.

لطفاً در رابطه با پیشینه خون‌بس در ایران، اطلاعاتی را در اختیارمان بگذارید.

خون‌بس و یا اصطلاحاً فصلیه که از فصل به معنای حل و فصل کردن ریشه گرفته، درواقع به معنای حل و فصل کردن مسئله ای بین دو طایفه توسط به ازدواج درآوردن دختری است، که آن مسئله مورد بحث معمولاً قتل و یا جرمی از باب جنایت است که جنبه کیفری دارد؛ تفاوتی ندارد که قتل عمد باشد یا غیرعمد؛ حتی ممکن است تصادفات رانندگی موجب مسئله باشد. درواقع برای جلوگیری از شکایت های پیاپی و قتل های دیگر با انگیزه انتقام، خانواده قاتل برای کسب رضایت خانواده مقتول، دختری از خانواده قاتل -حالا می تواند خواهر قاتل باشد و یا از بستگان درجه یک مانند دخترعمه یا دختر عمه و... را به عنوان عروس، به مردی از خانواده مقتول می دهند؛ این مرد پسر یا جوان، می تواند پدر، برادر یا پسر مقتول و... باشد؛ در هر صورت آن ها دختری را بدون اینکه حتی رضایتی داشته باشد، به ازدواج مردی از خانواده مقتول درمی آورند.

هدف از اجرای سنت خون‌بس چیست؟

طبق تحقیقات من از عشایر، آنان بر این عقیده هستند که هدف از خون‌بس تولد فرزندی از این ازدواج اجباری است؛ که برای هر دو طایفه عزیز هستند و این پیوند خونی میان خانواده ها، موجب

چرا دادگستری شوش درخواست ثبت این اثر فاخر رو داده اند؟

یکی از معاونین دادگستری شوش که مصاحبه من را دیده بود، با من صحبت کرد و به ایشان گفتم که ما این جریان را عیب می دانیم و باید محو شود و همچنین در این زمینه خلاء قانونی هم وجود دارد که ضروری است رفع شود تا خون‌بس و همچنین نهوه نیز از بین برود. ایشان در جواب بنده گفتند: « ما می خواهیم آن قسمت مرتبط با حل و فصل اختلافات فی مابین را ثبت کنیم، و من هم این بخش را تایید میکنم؛ چرا که وقتی بین دو طایفه اختلافی می افتد، بزرگان دو قبیله (شیخ بزرگ از هر قبیله) می آیند و سعی می کنند آن اختلاف را حل و فصل کنند. این حل و فصل ریشه کهنی دارد و سابق بر این، عشایر خوزستان به دادگاه مراجعه نمی کردند و قضایا را بین خود حل و فصل می کردند؛ هر چه که بود، اختلافات، حتی اختلافات ملکی و در مواردی موضوعاتی مثل سرقت و تصادف را هم بین خودشان حل می کردند. در این مواقع حتی اگر دیه لازم بود، خودشان می پرداختند. این حل و فصل کردن سنت بسیار پسندیده ای است، کما اینکه سابقاً یک ستاد عشایر هم وجود داشت که برخی اختلافات را حل و فصل می کرد و الان هم نهادی که فکر میکنم شورای عشایر است، جای این ستاد را گرفته. این سنت را از شرع گرفته شده است و مطابق شریعت اسلام، اهالی اختلافاتشان را حل می کنند.

من در جواب ایشان تاکید کردم که خون‌بس در حال حاضر منسوخ شده است، و ایشان در جواب گفتند: « این حل اختلاف سنت بسیار خوبی است، چرا شما -خصوصاً خانم ها- بین همه این ها خون‌بس را برجسته می کنید؟! » و چیزی نگذاشته بود که جریان

پیش می‌آید.

آن دختر ۱۱ ساله به عنوان فصلیه یک اختلاف، اتفاق افتاد.

دختر هم تحصیل کرده بود، اما متأسفانه در نهایت درخواست طلاق دادند. می‌گفت همسر را دوست دارم، اما می‌ترسم اگر ازدواج کنیم، سرم را ببرند و اینطور شد که طلاق گرفتند. این سنت هم کم‌رنگ شده اما متأسفانه هنوز اتفاق می‌فتد و در این ماجرا هم دوباره ما خلاء قانونی داریم.

شما فرمودید که دو خلاء وجود دارد، یکی فرهنگی و یکی قانونی. خلاء فرهنگی که با مرور زمان باید حل شود، ولی در مورد خلاء قانونی ما چه مطالبه‌ای می‌توانیم داشته باشیم؟

می‌توانیم داشته باشیم؟

لایحه‌ای به نام لایحه کرامت صیانت زنان در مجلس وجود دارد، ولی عقیم مانده و گفتند که برای بررسی این لایحه، زنان فعال باید دعوت بشوند. ما رفتیم و بسیاری از اساتید دانشگاه و قضات زنان هم آمدند و ایرادات لایحه را که زیاد هم بود، نوشتیم و برطرف کردیم و به مسئول دادگستری آنجا دادیم؛ ولی هنوز هم عقیم مانده و نتیجه‌اش معلوم نیست. اگر آن ایرادات را برطرف کنند، برای حمایت از زنان و همچنین رفع خشونت از زنان، از جمله مسئله خون‌بیس و فصلیه، بسیار لایحه خوبی است و من به‌عنوان یک زن حقوق‌دان، مصرانه خواستار تصویب این لایحه، پس از رفع نواقض هستم.

در پایان گفت‌وگو، اگر پیشنهادی در جهت پیشگیری از احیای چنین سنت‌هایی و حل آنها دارید، لطفاً برای ما بیان کنید.

به نظر من رسانه‌ها در این حیطه بسیار تاثیرگذار هستند و وظیفه آن‌ها در این خصوص بسیار مهم است؛ رسانه‌ها می‌توانند ورود و بررسی رسانه ای چشمگیری داشته باشند و خصوصاً ورود به ماجرا، نباید فقط در مطبوعات باشد، بلکه باید در صداوسیما هم صورت بگیرد؛ چرا که اکنون در دورترین نقاط کشور ما هم به صداوسیما دسترسی دارند و مخاطب آن هستند و همچنین از جمله وظایف رسانه است که با دعوت از فعالان اجتماعی، قبح این مسائل را تبیین و تشریح کرده و جلسات مکرری در صدا و سیما درباره ی این مسائل بگذارد. به یاد دارم که ۱۰ سال پیش درباره ی قبح مسائل چون نهوه و خون‌بیس و قتل‌های ناموسی با یکی از روحانیان مورد اعتماد در بخش عربی صداوسیما همین استان بسیار صحبت کردم و واقعاً هم موثر بود. من تاثیرش را به چشم می‌دیدم، همچنین روحانیون هم وظیفه دارند که درباره ی این مسائل سخن بگویند و مردم را آگاه کنند؛ و همچنین تمامی ما زنان، چه فعال اجتماعی باشیم و چه نه، باید سعی کنیم از چنین سنت های منحوسی جلوگیری کرده و آگاهی را افزایش دهیم.

با توجه به اینکه خودتان هم در خوزستان سکونت دارید، آیا نهادی پیگیر حل این ماجرای خون بس اخیر شده است؟

راستش در همین جریان اخیر که دختر یازده ساله‌ای را به عنوان فصلیه داده بودند، دادستان شوستر وقتی از طریق فضای مجازی مطلع شدند، با من تماس گرفتند تا اگر اطلاعاتی دارم، در اختیارشان بگذارم و من از این پیگیری بسیار خوشحال شدم؛ چرا که با این وجود که



ما خلاء قانونی در این حوزه داریم، اما اینکه شکایت شده و دادستان پیگیر شدند، بسیار خوب است. حالا باید پیگیری کنم و ببینم جریان به کجا رسیده است، چرا که تماس برای هفته ی قبل بوده و هنوز از ادامه پیگیریشان مطلع نیستم، ولی اگر قانون در این مورد ورود کند، فکر می‌کنم مشکل حل شود؛ چرا که عشایر خوزستان، خصوصاً عشایر عرب به قانون احترام می‌گذارند.

اما نهادهای دیگر اگر هم پیگیر شده و اقدامی کرده باشند، من اطلاعی ندارم. درواقع اگر اقدامی صورت گرفته باشد، باید بازتابی داشته باشد که من چنین چیزی ندیدم.

خانم نزاری، امکان دارد مطالبی درباره نهوه و تجربه حقوقی خودتان در این باره نیز در اختیارمان بگذارید؟

بله، درواقع نهوه رسمی است مبنی برحق اولویت پسر عمو بر دختر عمو برای ازدواج؛ مثلاً همین یک هفته پیش، دختر خانم جوان و تحصیل‌کرده‌ای به من مراجعه کردند و گفتند برایشان خواستگار بسیار خوبی آمده و خانواده‌اش هم رضایت دادند، اما پسرعموهایش تهدید کرده و گفته‌اند اگر تن به این ازدواج بدهی، هم سر تو و هم سر خواستگارت را می‌بریم. دختر گفته که از شما شکایت میکنم، در جواب گفته‌اند برو هر جا که می‌خواهی، شکایت کن. من در پاسخ به این دخترخانم، هم به کمیسیون زنان در خوزستان معرفی‌اش کردم و هم توصیه کردم، نزد دادستان رفته و این مورد را برایش منعکس کند که قطعاً تاثیر خواهد داشت؛ البته من قبلاً موردی مانند این داشتم که دختر و پسر را عقد هم کرده بودند و اتفاقاً پسر پزشک تحصیل‌کرده‌ای بود و

بله درست می‌فرمایید، قطعاً حل و فصل اختلافات سنت پسندیده‌ای است، اما این پسندیدگی در صورتی است که به شخص و یا بخشی از جامعه آسیبی زده نشود. چرا خود دادگستری و قضات به این امر ورود نمی‌کنند؟

درواقع یکی از دلایل آن خلاء قانونی است؛ چرا که اذن ازدواج دختر تا زمانی که پدر زنده باشد، با پدرش و

در صورت عدم حیات وی، اذن با پدر بزرگش است و اگر پدر بزرگ هم در قید حیات نبود، دختر باید به دادگاه برود و اجازه بگیرد؛ وقتی پدر در قید حیات است، دختر حتی اگر چهل ساله هم باشد، همچنان ولایت پدر در ازدواج دختر پابرجاست. در اینجا دادگاه با وجود این خلاء قانونی، چگونه ورود کند؟ در صورتی که وقتی دختر به سن قانونی می‌رسد و خودش می‌تواند تشخیص دهد، چه الزامی به رضایت پدر هست؟ ولی درنهایت ما باز هم قانونی داریم که صراحتاً از مقررات شرع گرفته شده است و تصریح

میکند اگر دونفر بخواهند ازدواج کنند، حتماً باید طرفین رضایت داشته باشند و اگر کراهت یا مانند خون‌بیس، اضطرابی برای رضایت خانواده مقتول در ازدواج باشد، این ازدواج شرعاً و قانوناً باطل است؛ ولی کیست که به این قانون عمل کند؟!

در صورتی که ازدواج از روی اجبار و اضطراب بوده، اگر پیگیری کنند، آیا ضمانت اجرایی هم دارد؟

بله، بله قطعاً ضمانت اجرا نیز دارد و در صورت پیگیری، می‌توان این ازدواج اجباری را ابطال کرد. البته قضیه این است که کسی باید ماجرا را دنبال کند و پیگیر باشد. مثلاً اگر یک دختر ۱۵ ساله به دادگاه بیاید و بگوید که مرا مجبور به ازدواج کردند و من کراهت دارم، دادگاه بدون دلیل نمی‌تواند قبول کند؛ اما اگر بگوید من به‌عنوان فصلیه به ازدواج کسی درآورده شدم و دلایل را هم بگوید، طبعاً دادگاه می‌پذیرد؛ اما حداقل من تا به حال ندیدم چنین موردی پیش بیاید و زن با دلایل به دادگاه برود و خواستار ابطال شود. متأسفانه دختری در عشایر جرأت اینکه چنین کاری را بکند، ندارد. البته خوشبختانه در حال حاضر عشایر فرزندان و دخترانشان را آنقدر تحصیل‌کرده و روشن‌فکر پرورش دادند که چنین موردی بسیار کم پیش می‌آید. مثلاً وقتی خود من وکیل شدم، اصلاً وکیل زنی در شهر نبود؛ اما حالا، خدا را شکر در خوزستان تا به خیابان می‌آیید، تابلوی دفتر وکالت زنان بسیاری را می‌بینید که اغلب هم عرب و وابسته به عشایر خوزستان هستند. طبعاً وقتی تحصیلات و فرهنگ عمومی بالا برود، چنین مواردی دیگر پیش نمی‌آید و اصلاً منسوخ می‌شود، اما متأسفانه هنوز چنین مواردی، هرچند بسیار نادر در گوشه روستاها

پایان گنده لاتی!

(نقدی بر فیلم شنای پروانه)

طهورا میرزایی / کارشناسی اقتصاد



نگاه نگرانیش به مردمی ست که در گوشی‌هایشان غرق شده‌اند. دنیا و آدم‌هایش دور سرش می‌چرخند. زنی ست رنگ‌پریده و آشفته در اعماق روحش که می‌توان آن را از تمام خطوط صورتش خواند! آشفته و پر از فریادهای خاموش... پروانه‌ای که در امواج شرارت و تهمت جان می‌دهد. و پروانه این قصه، نماینده پروانه‌هایی ست که هر یک به نوعی در کوران مغزهای کوچک زنگ‌زده، پر و بالشان شکسته است. حالا هاشم به رسم لاتی و خلافکاری خود، بال‌های

همسرش، پروانه را می‌چیند و صحنه قتل او را رقم می‌زند و در میان فریادهایش می‌گوید «من نمی‌توانستم ببینم یک شهر لخت زن من را دیده‌است» و این، همه برای این بود که ناخواسته فیلمی از «شنای پروانه» در فضای مجازی پخش شده بود.

شنای پروانه؛ فیلمی مردانه

فیلم شنای پروانه از محمد کارت، که اولین فیلم داستانی‌اش را درباره بحران‌های یک

انسان در جنوب شهر ساخته است، یک فیلم مردانه از گنده لات‌های جنوب شهر، با رسوم و قوانین انتقام‌گیری و قدرت خودشان است. اما در کنار آن یک مسئله فرعی که با ظرافت به آن اشاره شده است، داستان قتل‌های ناموسی و قربانی شدن زنان در پی خودخواهی‌های مردانه است؛ رفتاری که شاید از کج‌فهمی‌ها ناشی می‌شود و برداشت از واژه‌ها را نیز به غلط تغییر می‌دهد. در شنای پروانه، یک زن قربانی انتقام‌گیری‌های گنده لات‌ها می‌شود و در تمام طول فیلم روحی زنانه و جریانی از غیرت جاریست. بیننده هیچ‌گاه بلایی که پروانه دچارش شد را فراموش نمی‌کند و پروانه تا انتها نیروی محرکه فیلم است.

حجت، در جست و جوی یک معما

شنای پروانه با گره‌های پی‌درپی و موقعیت‌های

متنوع و متعدّدش نمی‌گذارد فیلم از نفس بیفتد. ریتم و ضرباهنگش تا انتها حفظ می‌شود و هر نقطه عطف، مخاطب را به صورتی خاص درگیر فیلم نگه می‌دارد و این ویژگی مثبت یک فیلم حادثه‌محور است.

حجت، برادرشوهر پروانه، کسی که بهتر است از ابتدای فیلم با او همراه باشیم. فردی ست آرام که خودش را از فضاهای خلافاکاری برادرش دور نگه داشته است. حجت در پی پیدا کردن حقیقت این ماجرا که چه کسی با زندگی پروانه بازی کرده است و برای نجات برادرش از اعدام، قدم در راهی می‌گذارد که با خشونت گره خورده است و بیننده با به پای او جلو رفته و مقصران را شناسایی می‌کند. اما هر قدم که جلو می‌رویم، هر یک از شخصیت‌ها، لایه‌های جدیدتری از داستان را باز می‌کنند و نگرش‌ها را نسبت به شخص مقصر تا حدودی عوض می‌کنند و در تمام این مدت، مخاطب همراه با دنیای فکر و ذهن حجت، صحنه‌گردانی او را تماشا می‌کند.

یکی از نقاط عطف داستان، جاییست که حجت



تنهایی به دوش بکشد. او یک آدم معمولی بود که در حال تبدیل به یکی از همان آدم‌های لات جنوب شهر بود اما به یکباره با اراده و اختیار خود ترجیح داد تا بازگردد و خانواده را سامان دهد. او هیچ‌گاه از هیچ یک از حقایقی که کشف کرده بود، حرفی به میان نیاورد. چرا که با دانستن حقایق درباره هاشم، خانواده دیگر سر پا نمی‌شد. او از جان برادرش در راه غیرت و عواطف خانوادگی گذشت تا نقطه پایانی باشد بر گنده لاتی‌ها!

چنین پایانی نشان می‌دهد فیلمساز، کاملاً منصفانه دست به خلق قهرمانی از دل خود مردم پایین شهر می‌زند، قهرمانی که به اخلاق و شرافت پایبند می‌ماند و آن را معامله نمی‌کند.

خشونت در خدمت نفی آن

منتقدان معتقدند این فیلم به دور از سیاه‌نمایی در معضلات اجتماعی، داستانش را روایت می‌کند و شخصیت‌ها، قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌هایش را می‌سازد و این نکته، مورد تایید محمد کارت و نویسندگان فیلمنامه نیز هست. آنان می‌گویند به خودمان اجازه نمی‌دهیم وقتی درباره واقعیت‌های ناپه‌نجار صحبت می‌کنیم، آن‌ها را بیش از حد جلوه دهیم یا خوبی‌های آن فضا را نبینیم. و می‌دانستیم که شنای پروانه خلاف جهت سینمای اجتماعی سال‌های اخیر است. محمد کارت به پشتوانه سابقه مستندسازی‌اش، درک جامعی از پایین شهر و مناسبات این دست از آدم‌ها دارد. به همین دلیل روایت او در شنای پروانه از پس

همین آگاهی و شناخت است و همین نکته، فیلم را باورپذیرتر کرده است. این فیلم با وجود اینکه در بستر فضای خشونت آمیز ساخته شده است، اما نفرت از خشونت را در مخاطب بیدار می‌کند. همچنین ناصر هاشم‌زاده، منتقد سینما، درباره این فیلم چنین می‌گوید: «من در این فیلم خانواده دیدم. یک پدر آبرومند، یک مادر و زنان خانواده که چه غیرتی از خود نشان دادند. این فیلم با اینکه زنانه نیست، اما خانواده در آن وجود دارد.» که این خود مهر تاییدی است بر اینکه برخلاف فیلم‌هایی از این قبیل که در آن تصویری منفی از خانواده به تصویر کشیده می‌شود. در اینجا مجموعاً علیه خانواده نیستیم. به صورت کلی تمام اندازه‌ها و مناسبات در این فیلم رعایت شده است و فیلم سرانجامی دارد که باعث الگوسازی نامناسب برای مخاطب نمی‌شود.

یک قهرمان از دل جنوب شهر

حجت در فرآیند رسیدن به حقایق تنها و تنها تر می‌شود؛ چرا که از مسائلی خبر دارد که نمی‌تواند با هیچ کس در میان بگذارد و بار آن‌ها را باید به

خشونت علیه زنان، در افق جهان سوم

(شرحی بر خشونت علیه زنان و اعتراضات علیه زن‌کشی، در کشورهای جهان سوم)

سپیده رضایی / جامعه‌شناسی



با مشکلات یاد شده روبه‌رو باشد، بر اساس قانون جدید، پلیس و مراکز کمک‌رسانی و مشاوره می‌توانند به خانه آن زن وارد شده و مداخله کنند. حتی در مواردی پلیس این اختیار را دارد که مردی را که مرتکب خشونت علیه همسر و فرزندش می‌شود را از خانه بیرون کند.

مسئله حائز اهمیت این است که عده‌ای خود را در قوانین قدیمی و سنتی محصور کرده و با این تغییرات مخالفت می‌ورزند.

محمد خان شیرانی، رئیس شورای ایدئولوژی پاکستان، که در مسائل اسلامی حکومت به پارلمان پاکستان مشورت می‌دهد، بیان داشته است: حقوق زنان از قبل بر اساس شریعت اسلامی محفوظ بوده و نیاز به تغییر در آن نیست. او در رادیو آزادی گفته است: «این قانون نظریه‌ای را ایجاد می‌کند که گویا تلاش دارد برخی از مسائل اسلامی را از اذهان مردم بیرون کند.

عیب دومش این است که به زنان اجازه می‌دهد تا از خانه‌هایشان بیرون بروند و عیب سومش این است که به زنان اقتدار مردان را داده و آن‌ها می‌توانند هر کاری بخواهند، در خانه انجام دهند. این سه عیب این قانون است.»

با نگاهی ساده می‌توان نوعی اسلام‌گرایی افراطی و باور به پایین‌تر بودن جایگاه زنان نسبت به مردان را در این سخنان دریافت.

با این حساب، اینکه پاکستان ششمین کشور خطرناک برای زنان در جهان است، دور از انتظار نیست و از

کارآموزی، عدم وجود امنیت شغلی کافی، دستمزد کمتر به نسبت مردان و گاهی در کاری مشابه اشاره کرد. همچنین شوهر مجوز شرعی و سنتی در اختیار دارد و می‌تواند با استفاده از آن، مانع اشتغال همسر شود و با وجود اینکه زنان حق مهریه دارند، چون طلاق حق مردان است، اغلب همین حقوق مالی را در ازای گرفتن طلاق می‌بخشند و دست‌خالی رها می‌شوند و

خشونت علیه زنان در پاکستان بعد از تجاوز وحشیانه به یک زن در مقابل چشم فرزندان خردسالش به موضوع مورد بحث در این کشور تبدیل شد.

در این کشور علاوه بر تصویب قوانینی علیه خشونت زنان، قرار شد با نافذ شدن این قانون، یک شماره تلفن اعلام شود که هر گاه زنان با خشونت مواجه می‌شوند، با تماس گرفتن با آن شماره به کمک دسترسی پیدا کنند.

بر اساس این قانون، اگر یک مرد همسرش را مورد ضرب و شتم قرار دهد، آن زن می‌تواند با آن شماره که ۲۴ ساعته فعال است، تماس بگیرد و از پلیس کمک بخواهد.

همچنین تصمیم بر آن شد تا در ایالت پنجاب پاکستان، مراکز کمک‌رسانی و مشاوره به زنان ایجاد شود تا خدمات صلحی ابتدایی را برای زنان فراهم کرده و همچنین به زنانی که با مشکلات اقتصادی، خشونت‌های خانوادگی و یا آزار و اذیت جنسی و لفظی روبه‌رو هستند، مشاوره بدهد و در صورتی که زنی

برای خشونت تعاریف زیادی ارائه شده است؛ اما شاید کامل‌ترین تعریف برای آن، این باشد: خشونت به رفتاری توأمان با عصبانیت و اذیت و آزار جسمی و یا روحی افراد اطلاق می‌شود یا هر عمل مادی و معنوی که باعث آزار رساندن به طرف مقابل شود، تحت عنوان خشونت قرار می‌گیرد.

اما وقتی صحبت از خشونت علیه زنان می‌شود، تعریف خشونت عبارت است از:

هر عملی که مبنای جنسی داشته باشد و باعث آسیب جسمانی، جنسی، روانی و یا رنج و محنت زنان شود.

خشونت علیه زنان به گونه‌های مختلف اعمال می‌شود؛ اما خشونت‌های فیزیکی، روانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عمده‌ترین دسته‌های خشونت علیه زنان می‌باشد.

حقوق زنان همواره یکی از مسائل مهم در مباحث حقوق بشر بوده است. حساسیت مسئله حقوق زنان ناشی از این واقعیت است که در بسیاری از جوامع، زنان از عمده‌ترین گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی‌اند و حقوق آنان همواره در معرض تهدید قرار داشته است.

یکی از همین مسائل حاد حقوق زنان در بسیاری از جوامع، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، خشونت علیه زنان است.

از مثال‌هایی که می‌توان برای خشونت عنوان کرد، محرومیت زنان از تحصیل و عدم دسترسی به

آموزه‌های از مکتب والا!

نیره سادات موسوی/ کارشناسی حقوق

اینبار چه کردند بزرگان ده ما؟
به به چه کتابیست، چه زیبا و چه خوانا!

آموزش این زندگی و سبک تعالی
وقت است که باشد سخن جملگی ما

حالا چه لزوم‌یست که درسی تو بخوانی؟
وقتی که توانی بشوی همسر والا

تعلیم دفاع از حق و از زندگی خود
هرگز نبود ارجح و در مشق شب ما

الزام نداری که شجاعت بنمایی
کافیست که باشی تو فقط همسر زیبا

باکیت نباشد ز فراز و کم دنیا
زیرا که باشد به سرت سایه ز بالا!

هر صفحه بگویم تو در خانه نشینی
علم و هنر و ساز، چه کار آیدت آنجا؟

این بود بزرگی بزرگان ده ما!
آموزش وابستگی و ترس به زن ها؟

فکر است بکردید برای وطن ما؟
یا اینکه زنان سهم ندارند ز اینجا؟

به دلیل حساسیت‌های سنتی، عادی شدن خشونت علیه زنان و الگوهای سنتی ازدواج در جامعه افغانستان از دیگر دلایل خشونت است.

حاصل این ذهن‌های محدود شده و منفعت طلبانه که توجهی به دیگران ندارند، قربانیانی هستند که می‌شد به شکل دیگری زندگی کنند!

دختری اظهار داشته است بر خلاف میل وی و با اصرار پدر، در سن ۱۴ سالگی تن به ازدواج اجباری با مردی ۲۵ ساله داده است، تنها به این دلیل که دختری از خانواده عروس آن‌ها شود. وی پس از ۴ سال تحمل ضرب و شتم از سوی همسرش، به خانه برادرش رفته و هم از طرف پدر خود و هم همسر خود مورد تهدید است که باید به خانه بازگردد!

یا در نمونه چشمگیر دیگری، دختر کارگر معدن زغال سنگ به نام شمسیه علی‌زاده در افغانستان رتبه یک کنکور شد و قصد دارد پزشکی شود که تحسین بسیاری را در داخل و خارج برانگیخت.

او گفته است اجازه نمی‌دهد سیاست مانع تحصیل او باشد: «از بازگشت طالبان می‌ترسم اما نمی‌خواهم امیدم را از دست بدهم؛ زیرا رویاهایم از ترس بسیار بزرگ‌تر است.»



چشم‌انداز و نتیجه این خشونت در صورت عدم اصلاح، اول در اذهان محدود برخی، دوم در سنت و رسوم و آیین، سوم در تشکیلات بزرگ‌تر یعنی حکومت

و قانون بسیار تاریک و غم‌انگیز خواهد بود!

نظر دسترسی آنان به منابع اقتصادی، تبعیض و نیز قرارگرفتن زنان در معرض خطرات ناشی از رفتارهای فرهنگی، مذهبی و سنتی (به شمول قتل‌های ناموسی) دومین کشور بسیار خطرناک برای زنان در سراسر جهان شمرده شده است.

اما در همسایگی پاکستان، کشوری که به عنوان دومین کشور خطرناک برای زنان شناخته شده، افغانستان است.

کارشناسان این نظرسنجی می‌گویند پس از گذشت چندین سال از شکست طالبان، زنان در این کشور با مشکلات هولناکی روبه‌رو هستند. زنان افغان از سه ناحیه در معرض خطر هستند: خشونت‌های جنسی، دسترسی به خدمات بهداشتی و دسترسی به منابع اقتصادی.

بر اساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در هفت ماه نخست سال ۹۸، ۲۷۶۲ رویداد خشونت ثبت شده که ۱۲۳ مورد آن مربوط به آزار جنسی، ۴۸۵ مورد خشونت اقتصادی و ۱۴ رویداد نیز مربوط به خشونت روانی و زبانی است.

آمارها نشان‌دهنده وضعیت ناگوار خشونت علیه زنان در این کشور و ناشی از ضعف حاکمیت قانون و فساد

در دستگاه عدلی و قضایی و محدودیت دسترسی زنان به عدالت است و علاوه بر این ناامنی، معافیت از مجازات و سنت‌های زن‌ستیز قبائل افغانستان نیز در وقوع خشونت علیه زنان نقش دارند.

همچنین خشونت علیه زنان در میان افراد بی‌سواد یا کم‌سواد و معتاد بیش‌تر اتفاق می‌افتد که وجود این متغیرها بدلیل توسعه‌نیافته بودن این کشور می‌باشد.

وجود اسلحه غیرقانونی نزد افراد و گروه‌های مسلح غیرمسئول، عدم حمایت لازم از قربانیان خشونت علیه زنان، نگرش منفی نسبت به زنان در سنت‌های مردسالار جامعه، کتمان وقایع جنسی و قتل ناموسی

معرفی کتاب



خودت باش دختر!

پریسا پور مقدم / کارشناسی حقوق دانشگاه الزهرا



کتاب را بخوانید، احساس توانمندی و جسارت کنید و در نتیجه زندگی خود را تغییر دهید. "خودت باش دختر" یک مکالمه صریح بدون رودربایستی است که پرتتان میکند در مسیر دستیابی به رویاهایی که مدت ها پیش رها کرده بودید!

"این یک نامه سرگشاده طولانی برای کتابم است این همان لحظه ای است که می خواهم در آن اهدافم را از نوشتن این کتاب مشخص کنم و اگر از قبل تصمیم خود را برای خواندنش گرفته اید؛ اینجا به شما می گویم باید انتظار چه مطالبی را داشته باشید: این کتاب درباره بسیاری از دروغ های دردناک و یک حقیقت مهم است...."

از باور کردن دروغ هایی که درباره ات گفته می شود دست بردار

تا تبدیل به همان کسی شوی که واقعاً هستی.

کتاب خودت باش دختر، اولین کتاب انگیزشی ریچل هالیس در سال ۲۰۱۸ منتشر شد و به مدت هفت ماه متوالی در فهرست پرفروش ترین کتاب ها قرار داشت. همچنین این کتاب در جایگاه دوم محبوب ترین کتاب های سایت آمازون در سال ۲۰۱۸ قرار دارد.

شاید با خود فکر کنید «این کتاب هم مانند بقیه کتاب های موفقیت است، همان کلیشه های تکراری مثبت اندیش باش، قوی باش، تو می توانی و ...» اما خواهر من اشتباه نکن این همان حرف حسابی است که نیاز داری!!!

ریچل در هر فصل از این کتاب با دروغی متفاوت که زمانی آن را باور کرده بود گلاویز می شود، مثال های معتبری از زندگی خودش که نشان دهنده این دروغ ها است می زند، و سپس روش هایی را که برای شکست این دروغ ها استفاده کرده است با شما در میان می گذارد. او نمی خواهد این کتاب زندگی شما را تغییر دهد؛ او می خواهد این

فکر اینجاش رو نکرده بودم!

دادن شغل که ناامیدی و بلاتکلیفی حکم فرما است و تغییر اوضاع به نظر غیر ممکن می آید واقعاً به خودتان بستگی دارد که رشد کنید و بیاموزید یا به کارهایی عادت کنید که فقط به شما ضربه میزنند! "من شروع به نوشتن این کتاب کردم زیرا چندین بار از بحران و غم جان سالم به دربرده بودم و ایمان داشتم که حرف هایی برای گفتن دارم که شاید در پشت سر گذاشتن زمان های دشوار به دیگران کمک کند. اولین پیشنهاد نویس را مثل یک شریا (کوهنوردان راهگشا و راهنمای تبتی) نوشتم درحالی که باور داشتم که میتوانم به شما کمک کنم تا قله ای اندوه را فتح کنید. اما الآن دوباره خودم را در میان اندوه می بینم. من دیگر شریایی پیشرو که راه را به بقیه نشان می دهد نیستم. در حال حاضر تنها رهنوردی هستم که پاکشان با شما همراه شده است. یعنی این کتاب قابلیت منحصر به فرد این را دارد که هم ظاهر و هم باطن رنج را در آن واحد مجسم کند...."

رو به راه کردن اوضاع

وقتی زندگی تان در حال فروپاشی است

کتاب فکر اینجاش رو نکرده

بودم، سومین و جدیدترین

اثر انگیزشی ریچل هالیس،

در سال ۲۰۲۰ تألیف و منتشر

شد و برای سومین بار نام او را در

فهرست پرفروش ترین نویسنده های

نیویورک تایمز بالا برد.

این کتاب برای طرفداران ریچل هالیس

است و هرکسی که نیاز به کمی کمک در

مواجهه با لحظات سخت زندگی دارد !!

ترس، اندوه، شکست و خیانت؛ او که در قرنطینه

کروناپی با بحران در خانواده و طلاق دست و پنجه

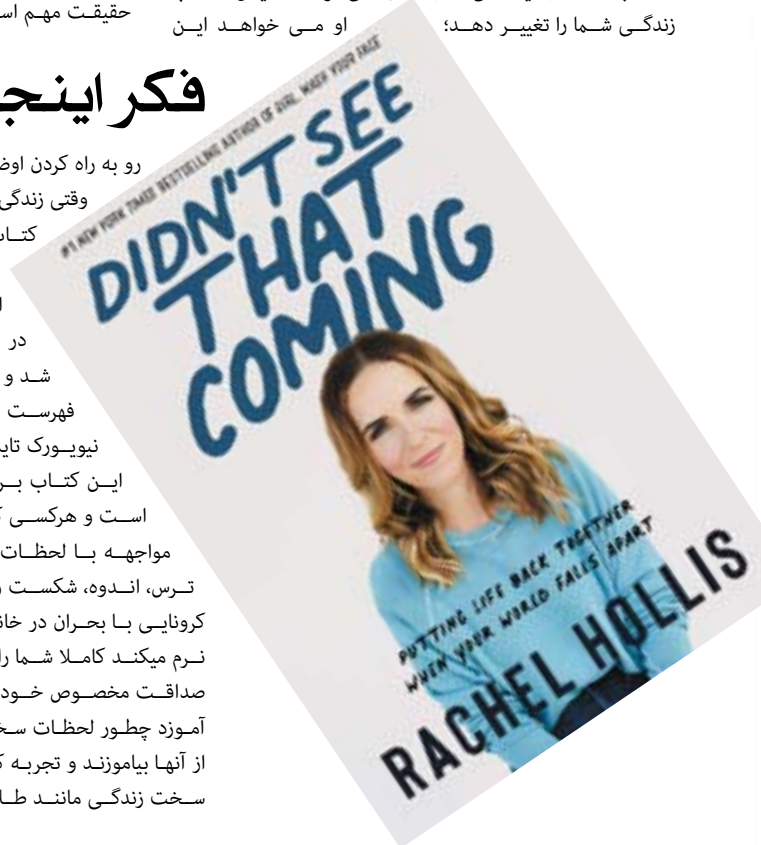
نرم میکند کاملاً شما را می فهمد و با شوخ طبعی و

صداقت مخصوص خودش به خوانندگان خود می

آموزد چطور لحظات سخت زندگی را غنیمت شمارند،

از آنها بیاموزند و تجربه کسب کنند. در موقعیت های

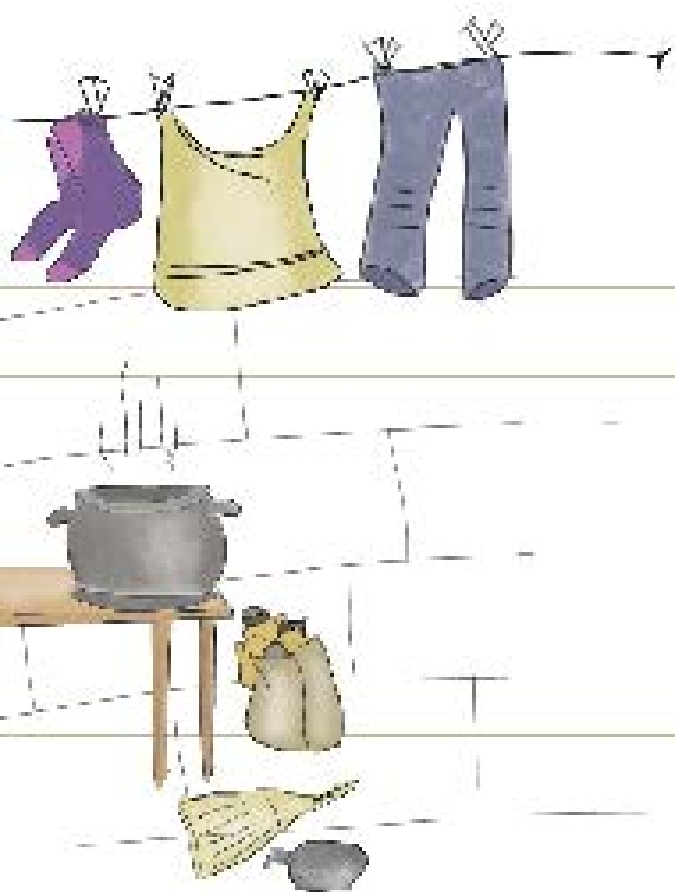
سخت زندگی مانند طلاق، مرگ عزیزان و از دست



درباره ی نویسنده :

ریچل هالیس ۳۷ ساله نویسنده، وبلاگ نویس و بنیانگذار شرکت شیک مدیا (Chic Media) است. او یکی از محبوب ترین سخنرانان انگیزشی، میزبان یکی از برترین پادکست های امروزی و مادر چهار فرزند است. ریچل با صداقت سانسور نشده و وفاداری بی شائبه، برند سبک زندگی و شرکت رسانه ای خود را بنا نهاد. او یک مربی رشد فردی است یعنی بعد از خواندن کتاب هایش خوانندگان جوگیر می شوند جوری که از شدت هیجان همه کارهایی که قرار است انجام دهند، اشک در چشمانشان حلقه بزنند، بلکه با گرفتن راهکارهای عملی برای انجام اهداف خود، کتابش را زمین می گذارند. او بعد از ترجمه و نشر کتابش به فارسی خطاب به تمام خوانندگان ایرانی اش پست کرد:

خوش آمدید خواهران خانواده، ما خیلی خوشحالیم که شما اینجا هستید!!!



سال دوم - شماره سوم
آبان ماه ۹۹